عملیات حمله به «اچ ۳» در آبی آسمان و خلبانان قهرمان نیروی هوایی:

«فرج‌اله برات‌پور»
اسطوره کرمانشاهی هوانوردی جهان

صفحه۳

سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، ورزشی سال هفدهم، شماره ۸۵۳ سه‌شنبه ۲۳ فروردین ۱۴۰۰ گستره توزیع: تهران، استان‌های غرب کشور و ابوموسی

روزنامه
نقد حال

۸ صفحه
۲۰۰۰ تومان

دکتر کلهرنیا درباره طرح ادغام نهادهای حمایتی با نقد حال مطرح کرد:

از اصلاح نهراسیم!

اشکان رضایی – طرحی در مجلس مبنی بر ادغام سازمان بهزیستی و کمیته امداد امام خمینی (ره) مطرح شده است تا بهزیستی یکی از معاونت‌های کمیته امداد شود. مهرماه سال ۹۹ علی بابایی کارنامی، سخنگوی کمیسیون اجتماعی مجلس شورای اسلامی از طرحی خبر داد که قرار است سازمان بهزیستی و کمیته امداد با یکدیگر ادغام و براساس آن بهزیستی یکی از معاونت‌های کمیته امداد شود.

در حال حاضر پیش‌نویس طرح ادغام کمیته امداد با سازمان بهزیستی در مجلس شورای اسلامی آماده شده و به گفته فرید معاون امور اجتماعی سازمان بهزیستی، بهزیستی نیز نظر کلی خود را در این‌باره اعلام کرده است.

کمیته امداد، به دستور امام خمینی (ره)، در ۱۴ اسفند ۱۳۵۷ برای پشتیبانی از محرومان و مستضعفان و توانمندسازی راه‌اندازی شد.

دو سازمان متفاوت با وظایف متفاوت که وجه مشترک هر دو سازمان از لحاظ حمایت از محرومان شبیه به یکدیگر است و از طرفی سازمان بهزیستی یک سازمان دولتی و زیرمجموعه‌ی وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی است، اما کمیته امداد امام خمینی (ره) نهادی انقلابی، عمومی و غیردولتی است و تحت نظارت مقام معظم رهبری اداره می‌شود.

سازمان بهزیستی در سال ۱۳۵۷ با ادغام سازمان تشکیل شد تا متولی آسیب‌های اجتماعی کشور شود. رسیدگی به امور کودکان بی‌سرپرست، زنان بی‌سرپرست و سرپرست خانوار، مسوولیت سلامت روان جامعه، امور مربوط به مهدهای کودک، سالمندان، معلولان، کودکان کار و خیابانی، زنان آسیب‌دیده و در معرض آسیب، کاهش طلاق، مشاوره، اشتغال و مسکن، آموزش‌های پیش از ازدواج و... بخشی از وظایف بهزیستی است.

بیژن کلهرنیا فعال مدنی کرمانشاهی درخصوص طرح پیشنهادی مجلس در مورد ادغام سازمان‌های حمایتی گفت: رابطه کمیته امداد به‌عنوان یک نهاد و تشکیلات و بهزیستی به‌عنوان نهادی که از اقشار محروم جامعه به‌صورت قانونمند حمایت می‌کند، وجود دارد. در دنیا نظام حمایت از افراد محروم جامعه که نیاز به حمایت دارند از لحاظ اقتصادی و طبقاتی و فرودست هستند و افرادی که توانایی پیوستن به نظام اقتصادی و تولید را ندارند یک سیستم علمی و قانونمند دارند، تقریبا این یک تجربه جهانی است که در حال حاضر نظام‌های اروپایی و کشورهای جنوب شرق آسیای در این زمینه چهارچوب‌های خاصی دارد و براساس تجارب اجتماعی به‌وجود می‌آید و فراگیر شده است.

تجارب آسیای جنوبی شرقی، از ژاپن به هند رسید و کشورهایی مانند بنگلادش را دربرگرفته است و این کشور به‌صورت مطلوب از آن بهره‌برداری می‌کند. اصل اساسی این است که تمام افرادی که نیاز به حمایت دارند باید وارد سیستم تولید و فرهنگ زندگی اجتماعی شوند. در سازمان اجتماعی جامعه پذیرفته شوند و این فاصله باید رفع شود و به اصطلاح دیگر نباید اقشار محروم و نیازمند داشته باشیم.

وی افزود: حال اگر افراد در شرایط خاص قرار گرفتند و ناتوان ذهنی، جسمی، فیزیکی و اقتصادی در حاشیه فقر قرار گرفته‌اند، باید در یک فرصت کوتاه به نظام اجتماعی برگردند وگرنه جامعه دچار آسیب می‌شود و در حاشیه‌بودن تمام جامعه را در بر می‌گیرد، به‌عنوان یک وظیفه، مدیریت اجتماعی باید در دوره‌ای کوتاه‌مدت تحت حمایت قرار بگیرند و در آینده به نظام اجتماعی برگردند و توانمند شوند و نمی‌توان پذیرفت که همیشه و مادام‌العمر یک نفر تحت حمایت باشد و این نشان‌دهنده‌ی ضعف مدیریتی‌ست. چرا از تجربه‌ی جهانی استفاده نمی‌شود؟! در این زمینه دانش فنی و مدیریتی وجود دارد و روش‌های پیشرفته، مهم و دارای جنبه‌های انسانی اجتماعی کاربردی و اقتصادی است.

کلهرنیا ادامه داد: از سوی دیگر زمانی که افراد ناتوان را تحت حمایت قرار می‌دهید، فرزندان این خانواده‌ها می‌پذیرند که همیشه از آنها حمایت می‌شود و یک ضربه ذهنی برای اینها وجود می‌آید که آسیب در نسل را پدید می‌آورد. وقتی پدر و مادر عادت دارد دست دراز کند، این شامل حال فرزندان می‌شود و بسیار خطرناک است و فرهنگ تکدی‌گری را یاد می‌گیرند و به رفتار اجتماعی تبدیل می‌شود. بنابراین تمام سازمان‌ها در جهان از جمله در کشور ایران به‌عنوان وظیفه از افراد محروم جامعه حمایت می‌کنند و رسالت دارند افراد تحت حمایت را در یک فرصت کوتاه ارتقا بدهند و به سطحی از توانمندی برسانند. باید بتوانیم افرادی که مشکل جسمی دارند را به سیستم اجتماعی برگردانیم. اگر می‌خواهیم جامعه بر مبنای تولید باشد باید در عرصه جهانی حرفی برای گفتن داشته باشیم. سازمان‌های مسوول مثل کمیته امداد به‌عنوان وظیفه اصلی باید از اقشار محروم جامعه حمایت کند. این غلط و رسالتی نابجاست که بخشی از نیروی توانمند اجتماعی جامعه را نگه دارند و به آنها اجازه ندهند که وارد سیستم تولید و خدمات شوند. افرادی که وارد این سازمان می‌شوند خروجی آنها باید افراد توانمند باشد، این اشتباه است که مادام‌العمر تحت حمایت باشند.

ادامه در صفحه۵

انتخابات یا انتصابات
صفحه۴

نگاهی به فیلم (دیوانه‌ای از قفس پرید)

حکایت مردی که گفت: نه!
صفحه۶

«علی‌اصغر ایزدی» نویسنده‌ی ادبیات کودک و بزرگسال در گفت‌وگو با نقد حال:

وجود انجمن داستان‌خوانی و قصه‌گویی کودکان ضرورت دارد
صفحه۷

موج سواری با کرونا
صفحه آخر

کافه پپو

صفحه آخر

بیکاری

رسول صفری

سرش را پایین انداخته بود و تا مشتری داخل مغازه بود چیزی نگفت. فکر کردم متکدی است می‌خواهد پولی بگیرد و برود. کمی دل‌دل کردم بگویم بفرما و او هم بگوید در راه رضای خدا کمکی بکن و پولی بدهم برود. این روزها تعداد مستمندان زیاد شده و شناختن ندار واقعی هم سخت است. برای اینکه کسی دست خالی نرود، مقداری پول همیشه در دخل دارم. اولین چیزی که نظرم را جلب کرد مرتب بودن ظاهرش با وجود کهنه‌بودن لباس‌های‌اش بود. خط اتو شلوارش و لباس‌اش نشان می‌داد که انسان منظمی است. با بیرون‌رفتن مشتری‌ها خودش سر حرف را باز کرد و گفت: آقا اینجا جایی را سراغ نداری که کار داشته باشد؟ گفتم چه کاری؟ گفت: هرکاری. اگر قرار است برای خالی‌کردن چهل کارتن ۴۰ هزار بدهند من حاضرم ۱۰ هزارتومان بگیرم. فقط پول بدهند کم هم باشد عیبی ندارد. گفتم متاسفم اینجا همه خرده‌فروش‌اند و برای کار باید بروی راسته بازار عمده‌فروش‌ها. گفت: هرجا بگویی سرزده‌ام این دو سال است که بیکارم قبلا کارمند اداره بودم و تعدیل شدیم. بعد از اخراج به هر دری زدم نشد که نشد. جوانی‌ام را در اداره گذراندم و از نان درآوردن در بازار چیزی نمی‌دانم فقط کارگری بلدم و بس! مثل اینکه فقط گوشی برای شنیدن درددل‌های‌اش می‌خواست. نمی‌دانستم چه‌کار کنم چندباری خواستم مبلغی به او کمک کنم ولی گفتم شاید ناراحت شود. با آمدن مشتری بعدی که البته فقط برای تماشا داخل مغازه‌ها می‌آیند، سرش را پایین انداخت و رفت. رفت تا برای روزگارش چاره‌ای بجوید. رفت تا به شب نرسیده برای بچه‌های‌اش لقمه نانی دست و پا کند. سخت است اگر پدر باشی و جیبات خالی از پولی باشد که وقتی داری با غرور می‌گویی چرک کف دست است. سخت است به چشمان فرزندان منتظرت نگاه کنی. روزگار غریبی است نازنین...

سرمقاله

غلامرضا نوری‌علا

نفوذی‌های دشمن صهیونیستی!

محسن رضایی، در توییتر نوشت: «آیا وقوع مجدد آتش‌سوزی در تاسیسات هسته‌ای نطنز، آنهم در کمتر از یک سال پس از انفجار قبلی، نمی‌تواند نشان از جدی بودن پدیده نفوذ باشد؟ فاعتبروا یا اولی الابصار. کشور نیاز به سالم سازی امنیتی دارد.» به‌نظر می‌رسد که نفوذی‌های کثیری در خدمت اهداف صهیونیست‌ها در ایران فعالیت می‌کنند. کسانی که در قامت خدمتگزار ایرانی و سر در آبشخور آنها دارند، اندک و پنهان نیستند. جریانی که با پشتیبانی رسانه‌هایی که با بیت‌المال اداره می‌شوند و همواره در حال زمینه‌سازی برای به دام افتادن ایران در تله‌ی صهیونیست‌ها هستند و هیچ توجهی به منافع ملی ندارند، اما مصونیت آهنین دارند. شواهد حکایت از آن دارد که پس از حادثه خرابکارانه اخیر در تاسیسات نطنز، بار دیگر جریانی خاص درصدد فراهم کردن زمینه برای یک اقدام نامناسب دیگر است. شاید مصوبه‌ای دیگر برای تاثیرگذاری منفی بر روند مذاکرات احیای برجام که مقدمات آن، این روزها در حال برگزاری است. فراموش نکرده‌ایم پس از عملیات تروریستی که محسن فخری‌زاده دانشمند هسته‌ای کشورمان به شهادت رسید، مجلس یازدهم بلافاصله مصوبه‌ای عادی را با قید دو فوریت به صحن آورد و قانون موسوم به «اقدام راهبردی برای لغو تحریم‌ها» سه روز پس از شهادت شهید فخری‌زاده تصویب و تعهدهایی را برای دولت جمهوری اسلامی ایران ایجاد کرد. در بخشی از آن طرح تصویب شده بود که در صورت عدم اجرا، رییس‌جمهوری و مدیران سازمان انرژی اتمی با خطر تعقیب قضایی روبه‌رو می‌شوند. شانس آوردیم که با هوشمندی مسوولان ارشد نظام از آثار تبعی اجرای آن مصوبه کاسته شد. کیست که نداند دشمن غدار صهیونیستی، مخالف هرگونه توافق ایران و مذاکره با غرب و لغو تحریم‌ها و گشایش‌های اقتصادی‌ست و از هیچ تلاشی برای رسیدن به اهدافش فروگذار نیست. چگونه می‌شود پذیرفت که برخی چهره‌های رسانه‌ای وابسته به حاکمیت ایران، همگام و همزبان با لابی‌های صهیونیستی و متحدان ارتجاعی منطقه، مانع روند خلاصی ملت ایران از تحریم‌های ناجوانمردانه باشند. مهم‌ترین دغدغه‌ی صهیونیست‌ها، ممانعت برای هرگونه توافق یا بازگشت ایران به برجام است. اما توجه کنید، عبداله گنجی مدیرمسوول روزنامه جوان در توییتر خود چه نوشت: «اگر بنده کاره‌ای در تصمیمات نظام بودم بعد از خرابکاری اخیر در نطنز دستور لغو مذاکرات وین را صادر می‌کردم. چه معنا دارد هنگامی که متعهد می‌شویم به عقب برگردیم و تعطیل کنیم خرابکاری کنند؟ نباید هم چوب را خورد هم پیاز را. این تقسیم کار هویج و چماق آمریکا با صهیونیست‌ها است.» دوستانی که دنبال جریان «نفوذ» می‌گردند، بهترست روشن کنند، بازی در زمین دشمن، برای چه کسانی سود دارد؟!

حرف‌های بی‌مخاطب

ثریا صفری

«قرمز» را «سیاه» نکنیم!

طبق آخرین اطلاعاتی که از دانشگاه علوم‌پزشکی و ستاد مقابله با کرونای استان کرمانشاه منتشر شده است، از مجموع ۱۴ شهرستان، تنها ثلاث‌باباجانی زرد، جوانرود و روانسر نارنجی و یازده شهرستان باقی‌مانده نیز قرمز هستند. در روزهای یکشنبه و دوشنبه در هر ۲۴ ساعت، ۷ نفر در استان بر اثر ابتلای قطعی به کرونا فوت شده‌اند. دکتر فیض‌اله منصوری متخصص بیماری‌های عفونی با استناد به سخنان وزیر بهداشت، ویروس قبلی کرونا نسبت به ویروس جهش‌یافته را «نجیب» توصیف کرده است. روزانه بیش از ۲۲ هزار نفر در سراسر کشور به کرونا مبتلا می‌شوند، این در حالی‌ست که محققان می‌گویند حدود ۵۳ درصد از مبتلایان به ویروس جهش‌یافته بدون علامت هستند. دکتر مردانی عضو کمیته علمی ستاد ملی مقابله با کرونا، گفته است کرونای انگلیسی ظرف سه روز ریه را درگیر می‌کند. مسوولان دانشگاه علوم‌پزشکی کرمانشاه، آمار بستری‌های کرونایی را در روز دوشنبه ۲۳ فروردین ۶۳۰ تن اعلام و همچنین پیش‌بینی کرده‌اند که ممکن است در این موج آمار بستری‌ها تا ۱۸۰۰ نفر افزایش یابد. آنها هشدار داده‌اند اگر از این عدد بیشتر شود، با محدودیت و مشکلات فراوانی رو به خواهند شد. در شهرهای قرمز تنها مشاغل دسته اول، مجاز به فعالیت هستند و بخشی از مشاغل دسته‌های ۲ و ۳ و ۴ با وجود ممنوعیت به صدها دلیل که عمده‌ی آن مشکلات اقتصادی‌ست، تعطیلی را جدی نگرفته‌اند. آن موجی که باید در مردم برای خودمراقبتی ایجاد شود، هنوز ایجاد نشده است. بیم آن می‌رود که رنگ قرمز به سیاه تبدیل شود. عبور از این شرایط دلهره‌آور نیازمند همراهی و هم‌دلی مردم و مسوولین است. البته اگر مسوولان صادق باشند، عمده‌ی مردم صحبت‌ها و هشدارهای آنان را جدی می‌گیرند.

ورزش

نادر نقی‌زاده

نگاهی به رویدادهای ورزشی سال ۱۳۱۹ خورشیدی
صفحه۴

دریچه

محمدباقر رحیمی

سرانجام اصلاحات
صفحه۵

هتل سیاست

مهدی حیدرپور

عملکردی که شایسته شلاق ملامت شده تامدال لیاقت
صفحه۳

قنداغ

ناصر مدللی

داستان من و پرایدسفیدرنگ
صفحه آخر

یادداشت

محمدحسین شیریان

استمداد نماینده؛ از فیلترکنندگان «چینی»

این خبر هنوز تکذیب نشده است: «چین در این قرارداد تضمین داده است که تا ۲۵ سال از ما تفت خریداری کند. در حال حاضر متاسفانه ما حاکمیتی بر فضای مجازی، موتورهای جستجوگر، پیام‌رسان‌های اجتماعی و پست الکترونیک نداریم و حاکمیت آن از دست ما خارج شده است و برای ما بسیار حائز اهمیت است که با همکاری با چینی‌ها بتوانیم بر فضای مجازی خود حاکمیت داشته باشیم و همچنین تبلت، لپ‌تاپ و موبایل تولید کنیم و با چین همکاری‌هایی در زمینه هوش مصنوعی داشته باشیم. خبرگزاری مهر، ۲۲ فروردین ۱۴۰۰کد خبر ۵۱۷۹۹۱۳».

گوینده این سخنان، نماینده تندروی جبهه پایداری، سیدمحمود نبویان است. طرح خبری این گفت‌وگو در میانه اطلاعاتی ناقص، ناتمام، مشکوک، پر تناقض و پر ابهام و با سوالاتی بی‌پاسخ همراه است. این قلم در چهار یادداشت گذشته، پیش‌بینی کردم که عاشقان سینه چاک قرارداد ۲۵ ساله ممکن است از شیوه حکمرانی چینی‌ها در انسداد راه‌های ارتباطی بهره گیرند اما باور کردنی نبود با چنین سرعتی و توسط نماینده‌ای به این صراحت، اندیشه تحت قمیومیت خود را در تضاد با قانون اساسی به یک کشور خارجی گره بزند و از چینی‌ها بخواهند به فیلترکنندگان شبکه‌های اجتماعی داخلی دل‌گرمی بدهد که اژدهای مکار و آتش‌خوار چینی‌ها از راه می‌رسد تا به کمک داخلی‌ها، دخالت خارجی‌ها در امور مردم را عادی‌سازی کند. شرمسار هم نیستند که «با همکاری چینی‌ها بر فضای مجازی ایران» روزگاری تلخ‌تر بر مردم حاکم کنند. اگر روزنامه «صوراسرافیل» میرزا جهانگیرخان و روزنامه «طوفان» فرخی یزدی آزاده که روز سه‌شنبه ۲۳ اردیبهشت ۱۳۰۳ تیتر زد: «تزلزل کابینه و تاسف ما»؛ در این دوران منتشر می‌شد از افراشتن پرچم چینی بر سر اندیشه یک نماینده، چه تیتری بر پیشانی بلند روزنامه‌اش می‌چید! اگر سیدحسن مدرس (عضو کابینه دولت موقت مهاجرین در کرمانشاه) نماینده آزادیخواه در مجلس بود بر نبویان پایداری‌چی، چگونه می‌تاخت و او را بر صندلی‌اش میخکوب می‌کرد. می‌شود احتمال داد میرزا جهانگیرخان صوراسرافیل، با اعلام عزای عمومی نوار سیاه موربی بر کناره آن لوگوی چنان قدرتمندش کار می‌کرد حال که مردم ذره‌ای و حرفی از کلمات آن قرارداد ۲۵ ساله به حساب نیامده‌اند حتما خود لباس عزا می‌پوشید و بر این گزاره تلخ و سیاه نماینده تهران بر صدارت چینی‌ها برای سانسور حقیقت در کشور می‌گریست!

ادامه در صفحه۲

جهان صنعت کرمانشاه
www.jahansanat-Co.Com
JSK
تولیدکننده انواع ماشین‌آلات صنعتی
- تولید کالای ایرانی باکیفیت
- صادرات به کشورهای منطقه
- مطابق با آخرین استانداردهای جهان

کارخانه: کرمانشاه، کیلومتر ۳۵ جاده هرسین
تلفکس: ۰۸۳-۴۵۸۵۲۵۴۴ دفتر فنی: ۰۸۳-۴۵۸۵۲۵۴۲
دفتر تهران: پاسداران، نگارستان هفتم، شماره ۲۵
تلفن: ۰۲۱-۲۲۸۴۱۴۶۰ فکس: ۰۲۱-۲۲۸۴۱۵۹۶

آیت‌الله علما امام جمعه و نماینده ولی فقیه در استان کرمانشاه در دیدار با مدیر درمان تامین اجتماعی:

پروژه نسخه الکترونیک گامی ارزشمند در راستای توسعه و پیشرفت کشور است

دکتر حجتی، به دیدار آیت‌الله علما نماینده ولی فقیه و امام جمعه کرمانشاه رفت. مدیر درمان تامین اجتماعی استان در دیدار با امام جمعه استان به بیان عملکرد در سال گذشته پرداخت.

در این دیدار مدیر درمان ضمن تبریک سال نو و آرزوی سلامتی برای همه خدمتگزاران به اسلام و انقلاب به ارایه چگونگی اجرای پروژه نسخه الکترونیک و همچنین عدم صدور دفترچه‌های درمانی در سازمان تامین اجتماعی کشور به‌عنوان سازمانی پیشرو در درمان الکترونیک پرداخت و گفت: خوشبختانه با تلاش‌ها و هماهنگی‌های خوبی که در سطح استان با مدیران ارشد در نهادهای ذی‌ربط داشتیم، مدیریت درمان کرمانشاه همانند سایر استان‌های کشور توانست پیشرفت قابل ملاحظه‌ای در پیاده‌سازی این طرح ملی ارزشمند که به‌منظور رفاه بهتر بیمه‌شدگان است داشته باشیم.

وی همچنین ضمن تشریح مزایای این پروژه ملی از امام جمعه استان خواست که در مجالس و سخنرانی‌های مختلف، با حمایت از این طرح ملی سازمان تامین اجتماعی در بین مدیران مختلف استان و عموم مردم، مارا در اجرای هرچه بهتر برای پیاده‌سازی آن یاری کنند.

در انتها دکتر حجتی با اشاره به طرح‌های توسعه‌ای در استان از قبیل: ساخت اورژانس جدید بیمارستان شهدا- توسعه بخش NICU و ساخت بخش زایمان با استاندارد روز دنیا دربیمارستان حضرت معصومه (س)، ساخت درمانگاه در شهرستان‌های کنگاور، صحنه، هرسین و بیستون... ابراز امیدواری کرد که بتوانیم هر چه بهتر به جامعه کار و تلاش استان خدمت‌رسانی کنیم.

در ادامه آیت‌الله علما ضمن تقدیر از خدمات انجام شده توسط مدیریت درمان در استان ابراز امیدواری کرد وگفت: با اجرای این طرح می‌توان به بیمه‌شدگان و مراجعین خدمات با کیفیت‌تری ارائه کرده و پروژه نسخه الکترونیک سازمان تامین اجتماعی را گامی ارزشمند در راستای توسعه و پیشرفت کشور دانست.

نخستین پیوند ریه از اهداکنندگان زنده به بیمار کرونایی انجام شد

برای نخستین بار در جهان عمل پیوند ریه از اهداکنندگان زنده به یک بیمار مبتلا به کووید۱۹ در ژاپن و روی یک زن انجام شد.

به‌گزارش سی ان ان، طبق گزارشی جدید یک زن ژاپنی که ریه‌های وی به دلیل ابتلاء به کووید ۱۹ آسیب دیده بود برای نخستین بار در جهان از اهداکنندگان زنده پیوند ریه دریافت کرد. طبق بیانیه بیمارستان دانشگاه کیوتو یک تیم ۳۰ نفره از پزشکان به مدت ۱۱ساعت روی این زن عمل جراحی انجام دادند تا بافت ریه اهدا شده از همسر و پسرش را به بدن او پیوند بزنند. کووید ۱۹ به‌خسارت شدیدی در ریه‌های برخی از بیماران منجر می‌شود و بسیاری از افراد در سراسر جهان به‌عنوان بخشی از فرایند بهبود از این بیماری، پیوند ریه دریافت کرده‌اند. این در حالی است که بیمارستان کیوتو اعلام کرد این نخستین باری بود که بافت ریه از بدن اهدا کنندگان زنده به یک بیمار کووید ۱۹پیوند زده شد. دکتر «هیروشی دیت» یکی از جراحان بیمارستان مذکور و رهبر عمل جراحی معتقد است این شیوه برای بیماران کووید ۱۹ که دچار آسیب شدید ریه شده‌اند، نویدبخش است. او در کنفرانس خبری گفت: ما نشان دادیم اکنون گزینه پیوند ریه از اهداکنندگان زنده را در اختیار داریم. این زن که تاکنون فقط مشخص شده از شهروندان منطقه کنسای در غرب ژاپن است، اواخر سال گذشته به کووید ۱۹مبتلا شد و چند ماه به وسیله ماشینی زنده بود که به‌عنوان ریه مصنوعی عمل می‌کرد. کووید ۱۹ چنان خسارتی به ریه او زد که این عضو بدن وی دیگر قادر به فعالیت نبود و این زن برای زنده‌ماندن نیازمند پیوند ریه بود. پسر و همسر این زن بخشی از ریه خود را اهدا کردند. عمل پیوند از اهدا کنندگانی که دچار مرگ مغزی شده‌اند هنوز در ژاپن نادر است.

بنابراین عمل جراحی پیوند با کمک اهدا کنندگان زنده گزینه بهتری بود. طبق اطلاعیه بیمارستان کیوتو همسر و پسر این زن در وضعیت با ثباتی هستند و خود بیمار نیز در بخش مراقبت‌های ویژه است. پیش‌بینی می‌شود این زن ژاپنی دو ماه دیگر از بیمارستان مرخص شود.

نصب حسگر برای شناسایی ویروس کرونا روی موبایل

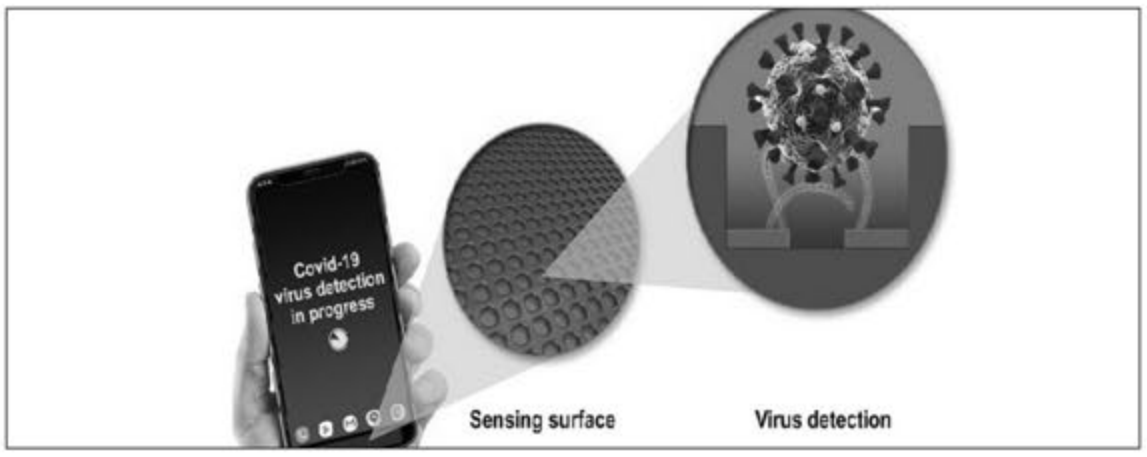

شرکت جنرال موتورز با دریافت بودجه‌ای از دولت آمریکا درصدد تولد حسگرهایی است که بر روی انواع گوشی‌ها قابل نصب بوده و قادر به شناسایی ویروس کرونا هستند.

به‌گزارش موبایل هلث نیوز، این حسگرها به گونه‌ای طراحی شده‌اند که می‌توانند ذرات ویروس کرونا که بر روی گوشی نشسته‌اند را شناسایی کنند.

حسگرهای یادشده که در ابعاد نانو ساخته می‌شوند، علاوه بر گوشی‌های هوشمند بر روی تبلت‌ها، ساعت‌های هوشمند، صفحه کلیدهای رایانه‌ها و برخی وسایل الکترونیک دیگر نیز قابل نصب هستند. ابزار تحلیلی پیشرفته نصب شده بر روی این حسگرها با سرعت بالایی ویروس کرونا را شناسایی می‌کند. اگر چه بررسی‌های جدید نشان می‌دهد امکان ابتلاء به ویروس کرونا از طریق لمس سطوح آلوده کم است، اما اجزای مختلف این ویروس ساعت‌ها و حتی روزها بر روی سطوح مختلف باقی می‌مانند و شناسایی و ضدعفونی کردن سطوح آلوده اهمیت زیادی دارد.

پیش از این برخی شرکت‌های سازنده ساعت‌های هوشمند، قابلیت‌هایی را به تولیدات خود اضافه کرده بودند تا با بررسی آنی علائم حیاتی بدن مانند ضربان قلب، دمای بدن و غیره ابتلای افراد به کرونا مشخص شود.

بسته شدن درب‌های خودرویی آرامستان‌های کرمانشاه

به‌علت شیوع بیماری کرونا و قرار گرفتن کرمانشاه در وضعیت قرمز درب‌های خودرویی آرامستان‌های شهر کرمانشاه تا اطلاع بعدی بسته شد. به‌گزارش مرکزاطلاع‌رسانی روابط عمومی شهرداری کرمانشاه، رضا دوستی بیان کرد: این اقدام در راستای تصمیمات ستاد کرونا و وضعیت قرمز این بیماری دراستان گرفته شد.

وی با اشاره به اینکه برای مراسم تشییع، ورود بیش از ۱۰ نفر به آرامستان کرمانشاه ممنوع است، افزود: با هماهنگی انجام شده با نیروی انتظامی خودروهایی که مقابل درب آرامستان کرمانشاه اقدام به توقف کنند جریمه می‌شوند. دبیرستاد مقابله با کرونا شهرداری کرمانشاه به تعطیلی پارک‌ها و تفرجگاه‌های کرمانشاه هم اشاره و بیان کرد: بازار پرنده‌فروش‌ها و بازار خودرویی در شهر کرمانشاه هم تا اطلاع بعدی تعطیل است. دوستی از مردم خواست به‌خاطر حفظ سلامتی خود و اطرافیان از ترددهای غیرضروری در شهر خودداری کنند.

قطار ملی مترو جایگزین واردات می‌شود

محققان کشور موفق به داخلی‌سازی ۸۵ درصد قطار مترو شدند که قرار است به تولید انبوه برسد و جایگزین واردات شود.

محققان کشور طی ۱۸ ماه اخیر با همکاری جهاد دانشگاهی، شرکت مترو و ۱۸شرکت دانش‌بنیان موفق به طراحی قطار متروی ملی شدند. در حال حاضر یک رام قطار مترویی شامل ۷ واگن طراحی و تست شده است.

مراحل تست گرم این قطار ۱۶ فروردین ۱۴۰۰ در خط تست پایانه فتح‌آباد با موفقیت انجام شد. سیستم رانش این قطار شامل تمام بخش‌های سخت‌افزاری و نرم‌افزاری است که وظیفه تامین تغذیه الکتریکی؛ کنترل و حفاظت و راهبری؛ حرکت و توقف قطار را برعهده دارد. ۲۰ دستگاه گیربکس؛ ۲۰ دستگاه موتور ترکشن؛ ۱۰ دستگاه سیستم کنترل دور موتورها؛ ۴ دستگاه تغذیه تجهیزات جانبی و یک ست کامل که کنترل و نظارت بر اجزای فوق را برعهده دارد، زیربخش‌های سیستم رانش هستند که توسط جهاد دانشگاهی طراحی، ساخته و در این قطار قرار داده شده است.

این قطار ملی قرار است به‌تولید انبوه برسد و جایگزینی برای واردات باشد.

در حال حاضر ۸۵ درصد این دستاورد داخلی‌سازی شده و دانش فنی آن نیز در دست محققان است. این قطار متروی به‌صورت مجازی توسط رییس‌جمهور به مرحله رونمایی رسید.

تقدیم تعرفه افزایش کرایه تاکسی کرمانشاه به شورای شهر

مدیرعامل سازمان حمل و نقل مسافر کرمانشاه گفت: تعرفه پیشنهادی برای کرایه تاکسی به شورای شهر تقدیم و منتظر طی مراحل اداری برای تصویب هستیم.

غلامرضا شهبازی در جمع اصحاب رسانه بیان کرد: در مجموع حدود ۷ هزار تاکسی و ۲۰۰ دستگاه اتوبوس در حال ارائه خدمت به شهروندان کرمانشاهی هستند. وی افزود: این مجموعه بزرگ ناوگان حمل و نقل درون‌شهری کرمانشاه به‌طور میانگین روزانه یک‌میلیون سفر انجام می‌دهند. وی با اشاره به اهم اقدامات صورت گرفته این سازمان از ابتدای شیوع کرونا تاکنون، ادامه داد: ارسال حدود ۷۰ هزار پیامک رعایت پروتکل‌ها و شیوه‌نامه‌های بهداشتی برای رانندگان، توزیع ۱۱۰ هزار ماسک معمولی و قابا شست‌وشو، راه‌اندازی اکیپ‌های ثابت و سیار به‌صورت مستمر در نقاط مختلف شهر در راستای ضدعفونی و گندزدایی وسایل نقلیه عمومی، تهیه و توزیع ۲۷۰ هزار لیتر محلول ضدعفونی بین رانندگان، نصب بنرهای رعایت نکات بهداشتی و تست‌های غربالگری از اهم اقدامات صورت گرفته در این مدت بوده است.

وی از توقیف ۳۳۵ دستگاه تاکسی و اتوبوس به علت عدم رعایت پروتکل‌های بهداشتی خبر داد و گفت: یک‌هزار و ۶۰۰ تاکسی هم در این مدت تعهد کتبی دریافت کرده‌اند. شهبازی در خصوص جذب تسهیلات کرونایی به‌مبلغ ۶ میلیون تومان برای هر راننده تاکسی، افزود: از ابتدای شیوع کرونا هزار و ۶۶۵ راننده به بانک‌ها معرفی و از این تسهیلات استفاده کرده‌اند. وی مجموع رانندگان تاکسی و اتوبوس مبتلا به کرونا از ابتدا اپیدمی تاکنون را ۳۴نفر اعلام کرد و ادامه داد: خوشبختانه موردی از فوتی با تشخیص قطعی کرونا نداشته‌ایم.

شهبازی از اجرای طرح پرداخت الکترونیکی کرایه تاکسی در کرمانشاه طی سال‌جاری خبر داد و گفت: تعرفه پیشنهادی برای کرایه تاکسی به شورای شهر تقدیم شده و منتظر طی مراحل اداری برای تصویب هستیم.

اگر توصیه‌های بهداشتی رعایت نشوند؛

کرمانشاه به یک بیمارستان بزرگ تبدیل می‌شود

استاندار کرمانشاه گفت: ستاد مدیریت کرونا استان تمام امکانات را برای مقابله با پیک چهارم کرونا بسیج کرده‌است ولی مردم باید همکاری کنند و پروتکل‌ها حداقل تا ۹۰ درصد رعایت شوند زیرا در غیر این‌صورت کرمانشاه به‌یک بیمارستان بزرگ تبدیل می‌شود.

به‌گزارش پایگاه اطلاع‌رسانی استانداری کرمانشاه؛ هوشنگ بازوند در حاشیه نشست ستاد ملی کرونا که به‌صورت ویدئو کنفرانس و با حضور رییس‌جمهوری و اعضای ستادهای استانی برگزار شد؛ افزود: این ویروس جهش‌یافته انگلیسی پیر، جوان و کودک نمی‌شناسد و همه را به شکل جدی مبتلا می‌کند و در این میان ممکن است برخی از عزیزان نیز جان خود را از دست بدهند و در ادامه خسارات زیادی را در حوزه اقتصادی و معیشت به مردم تحمیل کند.

وی افزود: پرسنل ادارات باید براساس جدول رنگ‌بندی شهرها، به محل کار بیایند و هر مدیرکلی که این مصوبه را رعایت نکند با وی برخورد می‌شود زیرا در به خطر افتادن سلامت کارکنان مقصر است.

استاندار کرمانشاه گفت: یک گروه به شکل ویژه بر رعایت این پروتکل‌ها در سطح استان نظارت می‌کنند و متخلفان برای برخورد قانونی به‌دادستانی معرفی می‌شوند.

مدیر ارشد استان بیان کرد: متاسفانه اکنون میزان رعایت پروتکل‌های بهداشتی در کرمانشاه زیر ۵۰ درصد است و افزایش آمار مبتلایان فعلی نیز به‌دلیل همین بی‌توجهی‌هاست.

وی تاکید کرد: پروتکل‌های بهداشتی در سطح استان حداقل باید تا ۹۰درصد رعایت شوند زیرا در غیر این‌صورت کرمانشاه تبدیل به یک بیمارستان بزرگ می‌شود و هزینه‌های سنگینی بر استان تحمیل خواهد شد.

استاندار کرمانشاه با تاکید بر اینکه ستاد کرونا استان تمام امکانات را برای مهار پیک چهارم کرونا بسیج کرده است در ادامه عنوان کرد: نقشه راه مقابله با این بحران تدوین شده و برنامه‌ها و پیش‌بینی‌های لازم را برای بستری حدود ۲هزار نفر انجام داده‌ایم و قطعا بحران مدیریت می‌شود ولی اگر مردم همکاری کنند این موج چهارم بیماری با هزینه و خسارت کمتری پشت سر گذاشته می‌شود.

وی تاکید کرد: انتظار داریم صداو سیما، رسانه های مکتوب و مجازی و شبکه‌های اجتماعی در کنترل این بحران، ستاد کرونا را یاری دهند.

خبر

بر پایی جشن عروسی، سه تالاردار کرمانشاهی را راهی زندان کرد

دادستان عمومی و انقلاب مرکز استان کرمانشاه گفت: برپایی جشن عروسی، سه تالاردار کرمانشاهی را راهی زندان کرد. شهرام کرمی با اشاره به‌خیز بسیار بلند موج جدید ویروس کرونا در استان کرمانشاه بیان کرد: با توجه به شرایط کنونی و قرمز شدن شهرستان کرمانشاه به‌لحاظ شیوع بیماری کرونا تمامی اصناف غیرضروری باید با تمکین نسبت به‌مصوبات ستاد مقابله با کرونا فعالیت‌های خود را متوقف کنند.

وی افزود: بر این اساس، تیم‌های نظارتی و بازرسی با حضور نمایندگانی از دستگاه‌های ذیربط تشکیل شده و با واحدهای صنفی متخلف که مصوبات ستاد مقابله با کرونا را رعایت نمی‌کنند، برخورد خواهند داشت.

دادستان عمومی و انقلاب مرکز استان کرمانشاه با اشاره به برخورد با سه تالاردار کرمانشاهی که نسبت به این مصوبات بی اعتنا بودند، گفت: طی روزهای گذشته سه تالاردار که در شرایط قرمز کرونایی شهرستان کرمانشاه اقدام به برپایی جشن‌های عروسی با تعداد میهمانان زیاد کرده بودند، دستگیر و روانه زندان شدند. وی ادامه داد: در مراسمات عروسی که در این سه تالار در حال برگزاری بود، تعداد بسیار زیادی مهمان دعوت شده که بستری برای انتقال گسترده بیماری کرونا محسوب می‌شد. کرمی با بیان اینکه این سه تالار تا اطلاع ثانوی پلمب خواهند بود، گفت: مالکین این تالارها به اتهام اقدام تهدیدآمیز علیه بهداشت عمومی و عدم رعایت مصوبات ستاد مقابله با کرونا دستگیر شده‌اند. وی بیان کرد: با توجه به اینکه استان کرمانشاه در حال حاضر گرفتار موج چهارم بیماری کرونا شده، بنابراین هیچ‌گونه اغماض و کوتاهی و مماشاتی در برخورد با افرادی که به مصوبات ستاد مقابله با کرونا بی توجهی می‌کنند، نخواهد شد.

برداشت نخود فرنگی در سرپل ذهاب آغاز شد

مدیر جهاد کشاورزی شهرستان سرپل‌ذهاب از برداشت نخود فرنگی در سطح ۱۱۸هکتار از مزارع این شهرستان خبر داد. به‌گزارش روابط عمومی سازمان جهاد کشاورزی استان کرمانشاه، اردشیر نورمحمدی با بیان این خبر افزود: پیش‌بینی می‌شود امسال از سطح مزارع زیرکشت این محصول با عملکرد ۱۰ تن در هکتار نخود فرنگی برداشت و روانه بازار مصرف شود. وی ادامه داد: کار برداشت نوبرانه صیفی‌جات از نیمه دوم فروردین‌ماه سال جاری در شهرستان آغاز شده و قیمت نوبرانه هرکیلوگرم نخود فرنگی در بازار هم‌اکنون ۱۲هزار تومان است.

مدیر جهاد کشاورزی سرپل‌ذهاب گفت: در راستای اصلاح الگوی کشت و ارتقاء اقتصاد خانوار کشاورزان در سال زراعی جاری ۱۱۸/۵هکتار از اراضی شهرستان به کشت این محصول اختصاص یافته است.

وجود مقادیر زیادی ویتامین c و آهن در نخود فرنگی باعث شده که این ماده غذایی به تقویت ایمنی بدن کمک کند.

استمداد نماینده؛ از فیلتر کنندگان «چینی»

ادامه از صفحه اول

گفتار نبویان که همیشه موشک را جایگزین گفت‌وگو و برجام می‌کند از او دور از انتظار نیست. اما؛ در همین گفت‌وگو او از قرارداد برد-برد با چینی‌ها سخن می‌گوید اما هرگز به چگونگی کدام برد-برد وارد نمی‌شود. چین از ما میلیاردها بشکه نفت هم بخرد معامله به بشکه‌ای با چه قیمتی فراهم خواهد شد. آنها هنوز طلب ده‌ها میلیاردی ما را به واسطه تحریم‌های غیر انسانی آمریکا پرداخت نکرده‌اند. همکاری با همه جهان و عدم تسلط بر کشور و حفظ منافع ملی بهترین روش حکمرانی است تا بتوان با همکاری در امکانات علمی، فنی و تکنولوژی وضعیت نامراد حال را بهبود بخشند. مخالفت این نماینده و هم‌فکران‌اش با برجام که در روز آتش‌زدن برنامه برجام در جلو تریبون مجلس هورا می‌کشید به سفره سخت مردم فشار آورده است او به همراه هم‌سویان خود در رنج و درد مردم شریک است. این را برای ثبت در تاریخ می‌نویسیم که نماینده چند درصدی، از یک کشور خارجی خواست بیاید تا با فیلتر شبکه‌های اجتماعی حلقوم اندیشه هموطنان خودش را بیشتر فشار دهد و دنیای بی مرز اندیشه را بر آن‌ها مسدود کند. فیلتر (چینی- پایداری‌ها) هرگز ره به جایی نخواهد برد.

عملیات حمله به «اچ ۳» در آبی آسمان و خلبانان قهرمان نیروی هوایی؛

«فرج‌اله برات‌پور» اسطوره کرمانشاهی هوانوردی جهان

سجاد شیریان

دفاع از هویت و مرزهای سرزمینی همیشه از دغدغه‌های ایرانی‌ها در طول تاریخ بوده است. سرشت دفاع جوانمردانه از کشور و تیالودن آن به پلیدترین ابزار ممکن برای دفاع از شکوه بی‌بدیل و حماسه‌ساز تاریخ ایران پس از حمله ناجوانمردانه عراق در ۳۱ شهریور ۱۳۵۹ رخ نمود. دفاع از این سرزمین؛ در زمین، دریا و هوا چنین رزمی میانه میدان، آرزوی عزیزترین فرزندان وطن شد و در پاره‌ای از عظمت انسانی و ایمان به شکست دشمن هویت اساسی فرزندان وطنی شد که در زمین با کفش‌های کتانی و لباسی خاکی که گاه خونین کفن آنان بود و در دریا با حماسه‌ای پی‌مانند در عرض چند روز همه هستی نیروی دریایی عراق را نابود کرد و اما در آبی آسمان در همان آغاز جنگ تحمیلی نیروی پرتوان هوایی کشور با سرشتی خردمندانه با پروازهای بلند همت خود همه هستی خود را به پای مردمی ریختند با شوری شیرین و رستموار به عظمت کوه پرلو و ماندند.

پس از حمله هواپیماهای عراقی به مناطق مسکونی و مردم بی‌دفاع تیم برون‌مرزی نیروی هوایی در یک عملیات محرمانه و مخفی شگفت‌انگیزترین حمله هوایی به چند پایگاه نیروی هوایی عراق را در عهت و ناباوری دشمن و جهانیان به اجرا درمی‌آورد. «برات‌پور» قهرمان پس از اجرای عملیات در پایگاه شکاری به خبرنگاران می‌گوید این درس را به صدام دادیم تا دیگر به اماکن مسکونی حمله نکند و گر جرأت دارد در میدان رزم به جنگ ما بیاید!

پانزدهم فروردین ۱۳۶۰ بزرگترین عملیات تاریخ هوایی جهان به نام دلاورمردان نیروی هوایی ارتش جمهوری اسلامی ایران رقم خورد. روزی که پس از ماه‌ها برنامه‌ریزی و دو بار تاخیر عملیات، اتفاقی رخ داد که بزرگترین استراتژیست‌های نظامی دنیا را انگشت به دهان کرد. بیش از چهار هزار کیلومتر پرواز، دو بار سوخت‌گیری در خارج از آسمان ایران، پنج ساعت پرواز در سکوت مطلق رادیویی و عملیات فریب، کاری کرد که بعد از گذشت چهل سال هنوز گفتنی‌های زیادی درباره این عملیات وجود دارد.

ساعت ۷ صبح روز ۱۵ فروردین ۱۳۶۰، هشت فروند جنگنده شکاری فانتوم، پایگاه همدان را به قصد بمباران سه پایگاه الولید معروف به اچ۳ ترک کردند. بر فراز دریاچه ارومیه در سکوتی رادیویی و ارتفاع زیر هزار پا از دو فروند تانکر سوخت گرفتند. از مرز بین کشورهای ترکیه و عراق به سمت هدف رفتند. قرار بر این بود که کمی داخل خاک سوریه از دو تانکر سوخت‌رسان که از روز قبل در سوریه قرار داشتند و با اعلام نقص فنی خیالی اعلام زمین‌گیری کرده بودند؛ سوخت‌گیری دوم را انجام دهند. طی یک برنامه هماهنگ تانکرها به سمت ایران پرواز می‌کنند اما بازهم اعلام نقص فنی ساختگی می‌کنند و با کم‌کردن ارتفاع و طوری که کشورهای ترکیه و سوریه حساس نشوند ارتفاع خود را کم کرده و به‌صورتی معجزه‌آسا فانتوم‌ها و تانکر همدیگر را پیدا کرده و سوخت‌گیری انجام می‌شود. پس از سوخت‌گیری، هواپیماها به سه دسته تقسیم می‌شوند تا هرکدام یک پایگاه را بزنند. پس از بمبارانی موفق، هواپیماها بازگشته و دوباره در مرز سوریه و عراق اقدام به سوخت‌گیری می‌کنند. یکی از فانتوم‌ها که به علت ترکش بمب‌ها و یا ضدهوایی قادر به سوخت‌گیری نیست در یک فرودگاه دورافتاده در سوریه به زمین می‌نشیند و خلبان‌ها پس از انتقال به دمشق با همان تانکر برمی‌گردند.

در حالی‌که سوخت‌گیری در سکوت رادیویی غیرممکن است ولی این کار سه‌بار در این عملیات اجرا شد تا شاهکاری بی‌بدیل خلق شود و این محیرالعقول‌ترین عملیات هوایی جهان «حمله به اچ۳» به هدایت امیر «فرج‌اله برات‌پور» متولد برات‌پور مایه افتخار بوده و باید چهره‌های این‌چنین را به جامعه بشناسانیم.

در ادامه سعید طلوعی، شهردار کرمانشاه در سخنانی از حال و هوای جبهه‌های جنگ گفت و خاطرنشان کرد همه در جبهه ساده بودیم از کفش‌هایی که می‌پوشیدیم لباسی که به تن می‌کردیم و سنگرهایی که در آنها بودیم، همگی ساده بودند. همه پیروزی‌ها و تلاش‌ها در سایه همین سادگی و بی‌پیرایگی رخ داد. سرتیپ دوم خلبان، محمود ضرابی که خود از خلبانان فانتوم بوده طی سخنانی حماسی که غرش رعدآسای هواپیماهای علیه دشمن را به‌خاطر می‌آورد و شکوه گفتارش سالن را به بهتی بی‌همتا نشانده بود گفت: به غرش توفنده خلبانان شکاری نیروی

هوایی ارتش جمهوری اسلامی ایران سوگند که تا ما جان در بدن داریم بر میثاق خود پایدار ایستاده‌ایم. وی درباره خلبانان شرکت‌کننده در عملیات حمله به اچ ۳ اظهار کرد: امیر برات‌پور ۱۶ خلبان را در هشت فروند به سمت الولید عراق پرواز دادند. این خلبانان به ترتیب: امیر برات‌پور با محمد جوانمردی، قاسم گلچین با علیرضا آذرفر(شهید)، ناصر کاظمی با ابراهیم پوردان(شهید)، غلامعباس رضایی‌خسروی(شهید) با محمد علی اکبر پورسرابی(شهید). لیدر دوم دسته محمود اسکندری(زنده‌یاد) با کاوه کوهپایه‌عراقی، محمود خضرایی(شهید) با اصغر باقری، منوچهر طوسی با حسین نیکوکار، منوچهر روادگر با احمد سلیمانی(شهید) که از این جمع بعدها چند تن شهید و آسمانی شدند. او در ادامه تصریح کرد که یادمان ۱۷ خلبان شهید سرزمین مردپرور کرمانشاه که در پایان مراسم از تندیس‌های آنها رونمایی می‌شود در جایی که پیکره‌ی مرد بزرگ جاودانه ارتش جمهوری اسلامی ایران، شهید زنده‌ی ما برات‌پور و هواپیمای F-4 هست. محمدصادق هاشمی‌نیا، جمال مظفری، عباس حزین، کرم‌رضا مکری، فریدون رضایی، غلام‌عباس رضایی‌خسروی، داوود اکرادی، مصطفی صغیری، محمدهاشم آل‌آقا، علی امجدیان، علی‌اصغر به‌نیا، بیژن هارونی، علی کرمی، حمیدرضا ناصری، جمشید نصوری، حجت‌اله کاربر و منوچهر فتاحی که پیکره‌های آنها آنجا است و پیکره‌ای درحال ساخته‌شدن است به نام دلاور مرد F-4D ارسلان مرادی که به زودی به آن جمع اضافه می‌شود.

امیرضرابی ادامه داد: اکثریت عزیزانی که اینجا نشسته‌اند این مراسم را بارها و بارها یا دیده‌اند یا حضور داشته‌اند. خواستم استدعا کنم چنین مراسمی را برای دانش‌آموزان، دانشجویان و جوانان بگذارید که الگوبرداری کنند از این قهرمانان زنده که در قید حیات‌اند. امروز اگر از جوانی بپرسیم که چه دوست دارید ممکن است از چیزهایی که می‌خواهد به‌دست بیاورد صحبت کند، اما ما در زمان جنگ از خلبانان جوانمان می‌پرسیدیم چه دوست دارید؟ غفور جدی (شهید) می‌گوید دوست دارم کفنم پرچم ایران باشد. از حسین خلعتبری(شهید) می‌پرسیم مدت‌هاست شب و روز درحال پرواز هستی کی خیال داری پوتین از پا دربیاوری به من گفت تا پای کثیف بعثیان بر خاک مقدس جمهوری اسلامی ایران هست من پوتین از پا در نخواهم آورد.

سپس امیر سرتیپ خلبان فرج‌اله برات‌پور سخنرانی خود را آغاز کرد و پس از تشکر از نهادهایی که این برنامه را ترتیب دادند، ابتدا از کودکی خود گفت که پای پیاده از خانه تا فرودگاه قدیم کرمانشاه می‌رفت تا هواپیماهایی را که از تهران فرود آمده بودند ببیند. غافل از اینکه چندین سال بعد من با همین هواپیماها پرواز کردم. امروز که این تندیس را می‌بینم نه خودم را که مردم کرمانشاه را در آن می‌بینم. تمام جوانانی که با لباس رزم از این سرزمین دفاع کردند و تمام پدران و مادران داغداری که فرزندان شهیدشان را به این خاک سپردند را در این تندیس می‌بینم. نه خودم را که تمام کرمانشاه را می‌بینم.

او سپس از همسر گرانقدرش تشکر کرد و گفت از همسرم به‌دلیل اینکه من ۲۰بار از این پایگاه به آن پایگاه منتقل می‌شدم و می‌رفتم و همسرم مدیریت همه کارها و جمع‌آوری وسایل را به عهده داشت. صبح بیرون می‌آمدیم و شب برمی‌گشتیم و بچه‌ها خواب بودند. ایشان در طول جنگ واقعا فداکاری کردند و هیچ‌وقت گله‌ای نکردند.

پس از سخنان امیر سرتیپ برات‌پور، نشان ویژه شهروندی از سوی شهردار کرمانشاه به او اهدا و از کتابی با عنوان «آبی آسمان» که زندگی‌نامه امیر سرتیپ خلبان برات‌پور به قلم محسن سنجابی است رونمایی شد.

در حاشیه مراسم، امیر سرتیپ خلبان چیت‌فروش از خلبانان هواپیمای F5 و از فرماندهان نیروی هوایی ارتش و نیز از همراهان پشتیبانی عملیات حمله علیه اچ۳، در گفت‌وگوی کوتاهی با خبرنگار روزنامه نقدحال، در پاسخ به پرسشی درباره حال‌وهوای خلبانان شرکت‌کننده در شب عملیات حمله به الولید گفت: «شب عملیات تقریبا به روز اول جنگ برمی‌گردد. چون ماه اول جنگ ایران پایگاه‌های هوایی عراق را می‌زد، بیشتر هواپیماهای خودش را به دورترین نقطه از ایران در مرز با کشور اردن گذاشت. جایی غیرقابل دسترس برای ایران. این عملیات قبل از ۱۵ فروردین ۱۳۶۰، دو بار ناموفق انجام شد. یک‌بار هوا بد شد، یک‌بار هم عملیات لو رفت. اما این‌بار طراحی خود امیر برات‌پور طوری بود که همه حتی خود ما را گول زد. تلفن‌های پایگاه را قطع کرد. هیچ خلبانی نمی‌دانست کجا می‌خواهد برود و یک‌دفعه خلبان‌ها را با خود برد. همه اینها فقط در مغز خود فرج‌اله برات‌پور بود. ناگهان مثل یک گاوصندوق خلبان‌ها را به اتاق فرماندهی برد و گفت نقشه این است. پنج ساعت دیگر معلوم نیست برمی‌گردیم یا نه؟ و همه داوطلبانه همراهش رفتند. بنابراین شب عملیات کسی نمی‌دانست چون باتوجه به این‌که قبلا عملیات لو رفته بود، می‌خواست عملیات پنهان بماند!»

پس از اهدای هدایایی به امیر برات‌پور و خانواده شهدای نیروی هوایی، مراسم رونمایی از سردیس‌ها و ماکت هواپیمای F4 که امیر برات‌پور و همکاران‌اش در سه پایگاه الولید ۴۸ فروند هواپیمای سوخو، میگ و هلی‌کوپتر عراقی را نابود کردند در محوطه پارکی در ورودی شهرک پردیس انجام گرفت و به نمایش عمومی درآمد. استقبال دف‌نوازان و سخنان حماسی دختری کرمانشاهی در ورود گروه خلبانان و حضور امیر برات‌پور، توزیع کتاب «حمله به الولید» از کارهای خوب شهرداری کرمانشاه در این مراسم بود. در رونمایی از سردیس‌ها با حضور یک ارتشی و یک سپاهی به نماد اتحاد این دو نیرو افتتاح می‌شد. کاری ارزشمند صورت گرفت. هرچند دیر. اما نمادی شد تا رهروان ایرانی در این دیار بدانند که فرزندان غیور، شریف، شهید و قهرمان‌شان برای دفاع از این سرزمین بزرگ، چه شکوهی بر جای گذاشتند.

قیمت خودرو بر اساس نرخ تورم بخشی قطعات اصلی تعیین می‌شود

بازرس کل امور صمت سازمان بازرسی کل کشور گفت: درباره قیمت‌گذاری خودرو، مصوباتی که در سال گذشته وجود داشته، همچنان تسری دارد و هرگونه کاهش یا افزایش قیمت، براساس نرخ تورم بخشی که از بانک مرکزی دریافت می‌شود مورد تصمیم‌گیری قرار خواهد گرفت.

به گزارش سازمان بازرسی کل کشور، اشکان میرمحمدی بازرس کل امور صمت سازمان بازرسی کل کشور در پاسخ به سوالی مبنی بر اینکه سازمان بازرسی کل کشور درباره سخنان اخیر رییس شورای رقابت چه موضعی دارد؟ گفت: به محض اینکه از طریق رسانه‌ها و جراید این موضوع منتشر شد امروز از آقای شیوا دعوت کردیم تا در سازمان حضور پیدا کنند و این موضوع از ایشان مطالبه و پیگیری شد. بازرس کل امور صمت سازمان بازرسی کل کشور گفت: اظهارات آقای شیوا حاکی از این بود که مواردی که در برخی رسانه‌ها منعکس شده به این شکل نبوده و ایشان چنین اظهارنظری را به این نحو نداشته‌اند و از آنجایی‌که شورای رقابت، مسوولیت تنظیم دستورالعمل قیمت خودرو در بازار را عهده‌دار است، اقدامی که در رسانه‌ها از قول ایشان انجام شد انعکاس خوبی در سطح بازار و افکار عمومی نداشت.

وی گفت: هر دو گروه خودروساز درباره قیمت قطعات اصلی خودرو اعلام نظر می‌کنند و سپس از جانب بانک مرکزی موضوع مورد تحقیق قرار می‌گیرد و براساس نرخ تورم بخشی که بانک مرکزی اعلام می‌کند ضریب لازم افزایشی یا کاهشی متناسب در دستورالعمل تنظیم قیمت، منتج به تعیین قیمت خودرو خواهد شد و مشخص می‌شود در دوره زمانی مدنظر هر خودرویی باید افزایش یا کاهش قیمت داشته باشد. وی گفت: بعضا می‌بینیم یکسری از خودروها کلا هیچ‌گونه تغییری را ندارند و چه‌بسا کاهشی هم باشند و در مواردی با بررسی قطعات اصلی برخی خودروهای دیگر چه‌بسا موضوع منتج به افزایش قیمت بر اساس نرخ تورم بخشی بانک مرکزی شود.

بازرس کل امور صمت سازمان بازرسی کل کشور افزود: در سال گذشته در دو بازه سه‌ماهه نخست و سه‌ماهه دوم سال این موضوع مورد اقدام واقع شد، اما با توجه به شرایط خاصی که درباره نحوه قیمت‌گذاری خودرو در ۳ ماهه دوم سال گذشته مطرح شد، این موضوع به ابتدای امسال موکول شد که نهایتا در دستور کار قرار خواهد گرفت و متناسب با آن، اقدامات لازم بعدی صورت خواهد گرفت.

چهارشنبه گذشته رضا شیوا رییس شورای رقابت اظهاراتی درباره مکانیسم تعیین قیمت خودرو داشت که بخشی از اظهارات وی این‌گونه منتشر شده بود که «اگر خریداران می‌بینند خودرویی با قیمت اعلام‌شده نمی‌ارزد آن را خریداری نکنند و خودروی دیگری را بخرند».

هتل سیاست

مهدی حیدرپور

عملکردی که شایسته شلاق ملامت‌شده تامدال لیاقت

در گزارشات برنامه توسعه سازمان ملل، حکمرانی خوب به‌عنوان یکی از شاخص‌های مهم توسعه معرفی شده، چرا که سایر شاخص‌ها، مستقیم و غیرمستقیم با این موضوع در ارتباط است. مسوولیت حکومت در حراست از جان و حقوق شهروندان و ارتقاء احساس امنیت آنها به‌ویژه در بحران‌ها و حوادث غیرمترقبه است، ولی عملکرد مسوولان، به‌خصوص در طی دو سال اخیر، حاکی از کم‌توجهی و عدم پایبندی عملی به چنین وظیفه انسانی و قانونی است.

حال آنکه موج چهارم کرونا و شیوع ویروس خطرناک جهش‌یافته کشور را در التهاب و اضطراب فرو برده است. هم طبیعی است که مردم نگران گوهر جان خود باشند و هم بدیهی است که مسوولان و متولیان اداره کشور، از مسوولان پزشکی و بهداشتی تا همه نهادهای نظارتی و انتظامی، موظف‌اند هر چه در توان دارند انجام دهند تا حتی جان یک انسان کمتر از دست برود.

در این خصوص باری دیگر محدودیت‌های جدیدی که شامل ممنوعیت مشاغل ۲ و ۳ و ۴ می‌شوند برای کنترل موج چهارم کرونا اعمال شد. این اقدام، بسیار دیر صورت گرفت به‌طوری که اگر در این زمینه کوتاهی نمی‌شد و از ۱۵ اسفند محدودیت‌هایی در زمینه خریدهای عید، رفت و آمدهای درون‌شهری به‌ویژه با مترو و اتوبوس، مسافرت‌های بین‌شهری و حضور در رستوران‌ها و پارک‌ها و تفریحگاه‌ها اعمال می‌شد، قطعا اکنون گرفتار موج چهارم کرونا نبودیم.

هشدارهای زیادی در زمان مناسب داده شد و حتی مسوولان وزارت بهداشت هم این هشدارها را دادند ولی گوش شنوایی پیدا نشد و تصمیم لازم برای کنترل کرونا گرفته نشد. تنها اقدام مناسب، ممنوعیت حضور در پارک‌ها و تفریحگاه‌ها در روز ۱۳ فروردین در شهرهای قرمز بود که دیدیم با موفقیت همراه بود و مردم به آن عمل کردند. این تجربه نشان می‌دهد اکثریت مردم آمادگی دارند به مقررات عمل کنند و از قوانین سرپیچی نکنند. آنچه باقی می‌ماند کوتاهی مسوولین ستاد ملی مبارزه با کروناست که در مواقع لازم تصمیم نمی‌گیرد و قرارگاه عملیاتی این ستاد نیز که مسوولیت نظارت بر اجرای مقررات را برعهده دارد، در مواردی که مقررات وضع می‌شود به وظیفه خود به درستی عمل نمی‌کند.

اما نکته قابل تامل اینکه: موضوع واکسیناسیون علیه ویروس کرونا از حدود دو ماه پیش در کشورهای مختلف آغاز شده است. موضع مسوولان کشور ما در رابطه با این موضوع آنقدر منفعل و ضعیف بوده که نسبت افراد دریافت‌کننده واکسن در کشورمان در مقایسه با حتی کشورهای همسایه، موجب شرمساری است. جالب‌تر اینکه اخیرا توسط رییس محترم دولت، واردات واکسن توسط بخش خصوصی مطرح شده که در رابطه با پذیرش مسوولیت سلامت جامعه توسط دولت به‌عنوان یکی از متغیرهای حکمرانی خوب، موجب حیرت و در عین حال تاسف است. حال چه باید کرد؟ اول اینکه، ستاد ملی مبارزه با کرونا در وضعیت بحرانی کنونی در سیاست‌های مرتبط با مسوولیت خود به یک وحدت منطقی و کارشناسانه برسند و تصمیمات اتخاذ شده، نه توسط رییس‌جمهور یا وزیر بهداشت و وزیر کشور، بلکه به‌وسیله سخنگوی ستاد اعلام شود و کل کشور اعم از مردم و مسوولان پایبند آن باشند. دوم اینکه، در شهرهای قرمز، محدودیت‌های متناسب با نظر کارشناسان ذی‌ربط ایجاد و حمایت‌های اقتصادی لازم با حفظ حرمت نیازمندان از طبقات فرودست جامعه عملیاتی شود. نکته سوم، در آستانه ماه مبارک رمضان هرگونه مراسم جمعی و خارج از منازل ممنوع شود. نکته چهارم، تمامی امکانات و توانمندی‌های کشور برای تامین واکسن مورد نیاز اعم از خارجی و داخلی مطمئن، بسیج و در حداقل زمان واکسیناسیون براساس اولویت‌های اعلام شده عملیاتی شود. پنجم اینکه، مسوولان ذی‌ربط با مردم صادق باشند و در صورتی که به هر دلیل، قادر به انجام مسوولیت خود نیستند متواضعانه از مردم عذرخواهی کنند. اما مخالفان عملکرد وزارت بهداشت معتقداند: آقایان مسوول در وزارت بهداشت و در عرصه بهداشتی کشور باید بدانند که در برابر جان تک‌تک مردم مسوول‌اند و در برابر مرگ کسانی که در اثر قصورها و تقصیرهای مربوط به کنترل کرونا جان خود را از دست می‌دهند، باید پاسخگو باشند. آقای وزیر بهداشت درباره واکسن هم وعده‌های طلائی دادند ولی محقق نشد به‌طوری که اکنون میزان واکسیناسیون کرونا در ایران کمتر از یک درصد است در حالی که حتی در بعضی کشورهای اطراف ما این میزان به بالای ۵۰ درصد هم رسیده است. لابد این نارسائی را هم به گردن تحریم‌ها می‌اندازند و به هرحال برای هر صنفی یک مقصر پیدا می‌کنند ولی مردم می‌گویند شما که از تحریم‌ها خبر داشتید، چرا وعده واکسن دادید و از آن به‌عنوان یک معجزه سخن گفتید؟

در پایان نگارنده معتقد است: نظام بهداشت و درمان ما، با دست و پای بسته ناشی از تحریم و کمبود منابع مالی ناشی از تحریم، در میان اقیانوس افتاده و دارد با کشورهایی رقابت می‌کند که همه چیز دارند، از دانشمند تا دارو تا واکسن و پول برای کسانی که لازم است در خانه بمانند و شغل‌شان را از دست بدهند. بنده با حفظ نقدهایی که به حوزه‌های مختلف اداره کشور دارد، عدالت و آزادگی را لازمه هر نوع نقد و اعتراض به عملکرد افراد یا دستگاه‌ها می‌دانم. در نقد عملکرد یک فرد یا نهاد یا سازمان یا وزارتخانه، درست آن است که با پرهیز از شتاب‌زدگی و هیجان کودکانه و عوام‌زدگی، همه حقایق را و همه جوانب حقایق را بررسی کنیم.

خبر

مجتمع ورزش‌های ساحلی در کرمانشاه ساخته می‌شود

رییس گروه فنی اداره کل ورزش و جوانان استان کرمانشاه گفت: به‌زودی عملیات احداث مجتمع ورزش‌های ساحلی در کرمانشاه آغاز می‌شود.

فرشاد رشیدی، با اشاره به مشکلات ناشی از نداشتن زمین استاندارد برای رشته‌های ساحلی در کرمانشاه، افزود: باتوجه به توسعه روزافزون رشته‌های ساحلی در دنیا، بنا داریم زیرساخت‌های لازم را برای پیشرفت این رشته‌ها در استان ایجاد کنیم.

وی ادامه داد: بر این اساس، اخیرا پس از مکان‌یابی، زمینی را در مجموعه ورزشی ۱۵ خرداد کرمانشاه مشخص کرده‌ایم تا در آن مجتمع ورزش‌های ساحلی را احداث کنیم.

رییس گروه فنی اداره کل ورزش و جوانان کرمانشاه با تاکید بر اینکه اعتبار موردنیاز برای احداث این مجتمع ورزشی اختصاص یافته، گفت: انتظار می‌رود ظرف ۱۰ روز آینده با مشخص‌شدن پیمانکار پروژه، عملیات اجرایی آن آغاز شود و تا پیش از پایان سال مالی(تیرماه) آن را به پایان برسانیم.

وی افزود: با افتتاح این زمین رشته هایی همچون والیبال ساحلی، بسکتبال ساحلی، کشتی ساحلی، کبدی ساحلی، هندبال ساحلی و بویژه فوتبال ساحلی می توانند در آن فعالیت داشته باشند.

رشیدی ادامه داد: باتوجه به اینکه درحال حاضر ماسه استاندارد زمین‌های ساحلی تنها در اردکان یزد وجود دارد، برای همین تامین ماسه این زمین‌ها از شهر اردکان خواهد بود. وی در ادامه درخصوص سرنوشت زمین‌های فوتبال ساحلی مجموعه ورزشی دهکده المپیک هم گفت: طی سال‌های گذشته عملیات احداث چند زمین فوتبال ساحلی در دهکده المپیک اجرا و حتی برای این زمین‌ها از استان‌های شمالی و جنوبی ماسه خریداری شد، اما باتوجه به اینکه مسوولین فدراسیون ماسه آنها را استاندارد نمی‌دانستند، زمین‌ها بلااستفاده ماندند.

رییس گروه فنی اداره کل ورزش و جوانان کرمانشاه به ایسنا گفت: پس از اجرایی‌شدن پروژه مجتمع زمین‌های ساحلی مجموعه ورزش ۱۵ خرداد، برنامه ساماندهی و بازسازی زمین‌های فوتبال ساحلی مجموعه ورزشی دهکده المپیک را نیز عملیاتی خواهیم کرد. به گفته این مسوول، علاوه بر پروژه مجتمع ورزش‌های ساحلی، پروژ های زمین مینی گلف و پیست کانوپولو قایقرانی هم در مجموعه ورزشی ۱۵ خرداد اجرا خواهد شد.

سه دوچرخه‌سوار کرمانشاهی به اردوی تیم‌ملی راه یافتند

مدیر روابط عمومی رشته دوچرخه‌سواری استان کرمانشاه گفت: سه جوان کرمانشاهی به مرحله سوم اردوی تدارکاتی تیم‌ملی دوچرخه‌سواری راه یافتند.

محمدصادق پارسامقدم افزود: این مرحله از اردو در اردیبهشت‌ماه در استان تهران برگزار خواهد شد. وی ادامه داد: این ورزشکاران همچنین آمادگی خود را برای مسابقات آسیایی قزاقستان که در مهرماه برگزار می‌شود، اعلام کردند.

وی گفت: مسابقات دوچرخه‌سواری در بخش کایرین در رده سنی جوانان در پیست مشهد مقدس با حضور ورزشکارانی از سراسر کشور در روز جمعه ۲۰ فروردین‌ماه برگزار شد. وی افزود: در این رقابت‌ها استان کرمانشاه توانست افتخارآفرینی کند و در بخش جوانان ۲۰۰ متر پارسا شفیعی مقام اول، علیرضا شیری مقام سوم و رامین اکبری مقام پنجم را کسب کردند، همچنین در رشته کایرین علیرضا شیری توانست مقام دوم را از آن خود کند.

مدیر روابط عمومی دوچرخه‌سواری استان کرمانشاه به فارس گفت: پارسا شفیعی، علیرضا شیری و رامین اکبری سه دوچرخه‌سواری ملی‌پوش که در این رقابت‌ها مقام‌هایی را توانستند کسب کنند، به‌زودی در مسابقات تیم‌ملی حضور خواهند داشت.

باما
درارتباط باشید
۰۹۳۶۱۶۲۰۷۰۰

انتخابات یا انتصابات

رسول صفری

متاسفانه وجود نداشتن قانون‌های صریح و یا عدم پایبندی به مرّ قانون و یک بام و دو هوای مسوولان ورزش در برخورد با موضوعات، باعث ایجاد شائبه‌هایی مانند مهندسی‌کردن انتخابات می‌شود و اگر دخالت‌های نمایندگان مجلس را در به کرسی نشاندن افراد در راس فدراسیون‌های ورزشی به آن اضافه کنیم آشی از آب در می‌آید که دودش به چشم ورزش می‌رود و حتما منفعت‌اش برای جیب معدودی است که حتی نمی‌دانند ورزش چیست! این قاعده و دخالت‌های ناصوابی که از بیرون به ورزش‌ها و به‌خصوص در بحث ریاست و انتخابات فدراسیون‌ها وجود دارد اصلا به صلاح ورزش نیست.

کار به جایی رسیده که یکی از اسطوره‌های ورزشی که به‌نظر این قلم و به‌نظر بسیاری از کارشناسان محق‌ترین فرد به ریاست آن فدراسیون بود تنها ۱۰ درصد از کل آرا را در مجمع فدراسیون‌اش به‌دست می‌آورد و یک غیر ورزشی بر مسند ریاست فدراسیون تکیه می‌زند. این درحالی بود که در سال گذشته وزیر ورزش تصمیم گرفت که شائبه‌ی مهندسی‌کردن انتخابات فدراسیون‌ها را با اقداماتی به حداقل برساند. طبق قانون رییس فدراسیون باید مقدمات انتخابات را در دو ماه پایانی چهارساله خود آماده کند ولی وزیر تشخیص داد که این کار توسط سرپرست انجام شود تا شائبه‌ای در این خصوص ایجاد نشود. در اواخر مهرماه سال گذشته، یک مقام مسوول در وزارت ورزش و جوانان اعلام کرد «سرپرست‌های فدراسیون‌ها حق شرکت در انتخابات را ندارند.» سید محمد شروین‌اسبقیان مدیرکل دفتر امور مشترک فدراسیون‌های وزارت ورزش و جوانان، در گفت‌وگو با پایگاه خبری ورزش و جوانان اعلام کرده بود: «با دستور وزیر ورزش و جوانان و به‌منظور رعایت بی‌طرفی استراتژی وزارت ورزش و جوانان این است که تحت هیچ شرایطی سرپرست فدراسیون، کاندیدای ریاست فدراسیون نشود.»

وی تصریح کرد: «سرپرستان کاملا براساس موازین و مقررات بین‌المللی از سوی رییس مجمع انتخاب می‌شوند تا فرآیند برگزاری انتخابات را فراهم کنند ولی حق شرکت در انتخاب را نخواهند داشت.»

جالب اینجاست این مقام مسوول درست دو هفته پس از این اظهار این حکم منطقی که برگزارکننده‌ی انتخابات ریاست فدراسیون نباید رقیب انتخاباتی باشد، سخن خود را تعدیل کرد و گفت: «حضور سرپرستان فدراسیون در انتخابات منع قانونی ندارد اما از نظر اخلاقی قرار شده این کار انجام نشود.» اما در عمل چیز دیگری شد.

اکنون باید این سوال را از برگزارکنندگان انتخابات فدراسیون‌ها پرسید آیا حضور سرپرستان فدراسیون‌ها در انتخابات به‌عنوان برگزارکننده و رقیب، قانونی و منطقی است یا این هم تنش جدیدی به مشکلات ورزش کشور افزوده خواهد کرد؟ این سیاست یک بام و دو هوا در ورزش باعث ایجاد لابی‌هایی می‌شود که پای غیر ورزشی‌ها را به مدیریت ورزش باز می‌کند و این عدم شناخت مناسب از ورزش خودش چالشی بر چالش‌های فراروی ورزش ایجاد می‌کند. به‌تازگی نامه‌ای از طرف تعدادی از نمایندگان مجلس به وزیر ورزش فرستاده شده و وزیر را مورد خطاب قرار داده است که از سرپرست فلان فدراسیون در انتخابات حمایت کند چرا که او هم عضو یک نهاد نظامی است و هم مدیر است و هم مدبر و هم می‌تواند برای آن ورزش مفید واقع شود! البته وزارت ورزشی که داعیه‌ی مبارزه با مهندسی‌کردن انتخابات را دارد هم به‌علتی نامعلوم انتخابات آن فدراسیون را که هم‌اکنون با سرپرستی اداره می‌شود که خودش کاندیدای ریاست است به تعویق انداخته است! احتمالا با گوشه چشمی به رایزنی سرپرست برای همراهی آرای مورد نیاز در مجمع به نفع خودش! خوب است بازرسی مجلس و شورای نظارت بر رفتار نمایندگان به این سوال پاسخگو باشند که آیا دخالت نمایندگان مجلس در انتخابات یک فدراسیون و حمایت صریح از یک کاندیدا و توصیه به وزارت ورزش برای حمایت از کاندیدای مورد حمایت ایشان عین سوءاستفاده از جایگاه نمایندگی مردم نیست؟ که البته اسناد این نامه‌نگاری و توصیه‌نامه برای مجاب‌کردن وزیر ورزش از کاندیدای مورد حمایت این نمایندگان موجود است. آیا به تعویق انداختن انتخابات یک فدراسیون بدون دلیلی موجه و ایجاد شائبه‌ی کارسازی و مهندسی برای سرپرستی که خود در معرض رای قرار دارد تخلف نیست؟ و نباید شخص وزیر پاسخگو باشد؟ به این شیوه پیش رفتن و مدیریت‌کردن در حوزه‌ای مانند ورزش، لطمات جبران‌ناپذیری را به ورزش ایران که با چالش‌های بسیاری روبرو است وارد می‌کند.

دخالت سیاسیون در ورزش می‌تواند تبعات بین‌المللی هم برای ورزش ایران به همراه داشته باشد. چه خوب است که ورزش و مدیریت‌اش دست ورزشی‌ها باشد و به‌قول معروف حق به حق‌دار برسد.

«تالاخادزه» بار کوردشکنی برای المپیک خط‌ونشان کشید

مسابقات وزنه‌برداری قهرمانی اروپا با رکوردشکنی مجدد غول گرجستانی در دسته فوق‌سنگین به پایان رسید. این مسابقات، گزینشی المپیک با درجه طلایی محسوب می‌شود. در این دوره از مسابقات و در دسته به اضافه ۱۰۹ کیلوگرم لاشا تالاخادزه با رکوردشکنی توانست سه مدال طلا را از آن خود کند. وی در حرکت یک‌ضرب با مهار ۲۲۲ کیلوگرم توانست ۲ کیلو رکورد این دسته را ارتقا دهد. او همچنین ۲۶۳ کیلوگرم را مهار کرد تا در مجموع با مهار ۲۸۵ کیلوگرم رکورد جدیدی در دنیای فولاد سرد را از آن خود کند.

هر چند وی با مهار ۳۶۳ کیلوگرم نتوانست رکورد دوضرب خود را ارتقا دهد اما این نابغه وزنه‌برداری چندی‌پیش با مهار ۲۶۵ کیلوگرم به‌صورت غیررسمی رکورد را جابجا کرد. رکورد دوضرب با ۲۶۴ کیلوگرم در اختیار لاشا تالاخادزه است. در این دسته، «گور میناسیان» با رکورد ۲۱۶ یک ضرب، ۲۴۸ دوضرب و مجموع ۴۶۴ کیلوگرم (۳ مدال نقره) و «لالایان» با رکورد ۲۰۵ یک ضرب، ۲۴۰ دوضرب و مجموع ۴۴۵ کیلوگرم (۳ مدال برنز) کسب کرد.ایرنا

«پله» از رابطه خوب خود با «ال دیگو» گفت

پله و مارادونا دو اسطوره بزرگ فوتبال جهان به‌شمار می‌آیند که هواداران آنها و البته خود این دو اسطوره هم همواره بر سر آنکه کدام یک بهترین است بحث و جدل داشتند. به گزارش رای اسپورت، پله خاطره‌ای از مارادونا را تعریف کرد و گفت: باوجود آنکه رابطه صمیمی با مارادونا نداشتم اما گاهی اوقات دیدارهایی با هم داشتیم و می گفتیم و می‌خندیدیم. یک بار مارادونا به من گفت که به هوش باش. آنها به من می‌گویند که بهتر از تو هستم. شاید تو بهتر از من باشی اما باید بدانی که من هم با پای راست و هم با پای چپ و سر می‌توانم گل بزنم اما تو چنین توانایی نداری. این اظهارنظر او باعث شد تا خیلی بخندیم. او ادامه داد: همواره درباره اینکه کدام یک از ما بهتر است با هم شوخی می‌کردیم با این حال باید بگویم که همه ما برابر خداوند برابر هستیم. اسطوره فوتبال برزیل درباره لقب پله که به او داده‌اند، گفت: اسم من ادیسون است اما همه من را پله می‌شناسند. باید اعتراف کنم که این لقب را دوست نداشتم چراکه من عاشق ادیسون بزرگ بودم و دوست داشتم با این اسم من را صدا می‌کردند.

بخش اول

نگاهی به رویدادهای ورزشی سال ۱۳۱۹ خورشیدی

علی دادائی

محمود بهزاد در طاق‌بستان از آنها استقبال و مورد پذیرائی قرار گرفتند.

نادر تقی‌زاده

ورزش‌های جدید که از سال ۱۲۹۸ خورشیدی به همت والای میرزا تقی‌خان رهبر در مدارس کرمانشاه نهادینه شد، شامل دو، قدم آهسته، دفیله رفتن و اجرای حرکات سوئدی بود و به دانش‌آموزان تاکید می‌شد خمیده ننشینند و خمیده راه نروند سربالا با قد کشیده حرکت کنید.

از سال ۱۳۰۷ شمسی به‌تدریج تمرینات بازی‌های فوتبال، والیبال، بسکتبال و دو و میدانی در مداس آغاز شد. دبیرستان شاهپور طبق برنامه کلاس‌های دوره اول هفته‌ای چهار ساعت و کلاس‌های دوره دوم هفته‌ای دو ساعت به ورزش و فراگرفتن فنون بازی‌ها و انجام مسابقات اشتغال داشتند به‌علاوه همه روزه عصرها و روزهای تعطیل مسابقه‌های داخلی دبیرستان تحت سرپرستی علی دادائی فارغ‌التحصیل اولین دوره دانشسرای مقدماتی تربیت‌بدنی تهران به تمرینات بازی‌های جدید اهتمام می‌ورزیدند. از آنجایی که اکثر محصلین دبیرستان شاهپور سرآمد ورزشکاران محسوب می‌شدند و در اکثر مسابقات آموزشگاه‌ها و مسابقات دستجات آزاد داخلی و خارج استانی گوی سبقت را از سایر رقبا می‌ربودند لذا نظری به فعالیت‌های آن در سال ۱۳۱۹ خورشیدی معطوف می‌داریم. انجمن ورزش دبیرستان شاهپور به سرپرستی آقای علی دادائی دبیر ورزش اداره می‌شد تشکیل شد. اعضای آن متشکل از دانش‌آموزان سال پنجم عبارت‌اند از آقایان حبیب‌اله زارع (رییس) ژوزف داوری (نائب رییس) نقی بنیادی (خزانه‌دار) و علی‌اشرف فرخ (منشی) در سال جاری بالغ بر یکصد و نود و پنج نفر از دانش‌آموزان عضو این انجمن بودند یکی از اقدامات سازنده انجمن تقسیم دانش‌آموزان به گروه پایدار به سرپرستی ژوزف داوری و گروه شاد به سرپرستی محمدعلی طاهر که طبق برنامه تنظیمی انجمن ورزش در تمام مدت سال مسابقه‌های والیبال، بسکتبال، فوتبال، دوها و پرتاب وزنه بین هر دسته در جریان بود اتخاذ چنین رویه کمک بزرگی به ایجاد حس رقابت و آموزش بازی‌ها و تشویق محصلین به ورزش و آمادگی لازم برای شرکت در مسابقات آموزشگاه‌ها و دستجات آزاد را فراهم می‌سازد. اعضای تیم فوتبال منتخب دبیرستان عبارت‌اند از آقایان خلیل محمودپور (کلاس ۶) یوسف داوری، نقی بنیادی، واهان قره پتیان، محمدعلی طاهر، حبیب‌اله زارع، مرتضی سالاری، محمد کیهانپور دانش‌آموزان کلاس پنجم، اصغر کامیاب (کلاس ۴) فریدون دولتشاهی (کلاس ۲).

اعضای تیم فوتبال امید دبیرستان مرکب از آقایان فتح‌اله دولتشاهی (کلاس۵) اکبر یوسف‌زاده، خلیل عسگری، منصور آل‌مذکور، حسین ناظری، پرویز فزونی، ابوالحسن قهرمانی دانش‌آموزان سال چهارم، کامران فروهنده و ابوالحسن متقی سال سوم، زین‌العابدین مخصوصی و منوچهر فرهمند سال دوم. تیم والیبال گروه الف آقایان حبیب‌اله زارع، محمدعلی طاهر، عبدالعظیم دزفولیان، واهان گل‌نظریان، یوسف داوریان، مرتضی پوریان، نقی بنیادی. تیم والیبال گروه ب آقایان: خلیل عسگری، سلیم یوسف‌میر، نصراله مسچی، کاظم نویدی، کامران فرهنده، ابوالحسن متقی، زین العابدین مخصوصی

تیم بسکتبال آقایان: یوسف داوری، حبیب‌اله زارع، مرتضی پوریان، نقی بنیادی، عبدالعظیم دزفولیان، مرتضی سالاری، محمد کیهانپور.

مسابقاتی که در تعطیلات نوروزی بین استان‌های کردستان، کرمانشاهان، دبیرستان فیروز بهرام تهران و همدان برگزار گردید این افراد از دبیرستان‌های کرمانشاه حائز رتبه شدند:

۱. فریدون دولتشاهی دانش‌آموز کلاس دوم دبیرستان انوشیروان در پرش طول با رکورد ۵/۷۰ متر مقام اول (این رکورد در این سن یک رکورد قابل بحث است) ۲. واهان گل نظریان دانش‌آموز کلاس پنجم دبیرستان شاهپور در پرتاب وزنه نیز با رکورد ۱۱/۸۰ متر نفر دوم۳. حبیب‌اله زارع دانش‌آموز کلاس پنجم شاهپور در دو ۱۵۰۰ متر رتبه دوم.

۴. خسرو فزونی، فریدون دولتشاهی، خلیل صدوقی از کرمانشاه در دو ۱۰۰×۴ متر امدادی مقام سوم.

در روز ۲۹ اسفند ماه عده‌ای از دانش‌آموزان دبیرستان فیروز بهرام تهران به سرپرستی کیامنش ناظم آن دبیرستان به همراهی آقایان حریری و کاظم رهبری دبیران ورزش آن مدرسه برای یک هفته به کرمانشاه آمدند عده‌ای از دانش‌آموزان دبیرستان شاهپور به همراه مدیرشان آقای

شرح جدول

طراح: رسول نادری

افقی:

۱. بازیگر تویسرکانی که در فیلم‌های گشت ارشاد، توفیق اجباری و چند می‌گیری گریه کنی بازی کرده است «چهره موردنظر»- دایره‌المعارف فرانسوی ۲. خوگرفتن- سرگیجه- روشنایی‌ها ۳. پادزهر- تکیه‌گاه- فیلمی از داریوش مهرجویی ۴. اصطلاح قرآنی- ورودکننده- مجرای آب ۵. واحد پول ژاپن- شهری در شمال- مکر و حیله- زدنی بچه ۶. سگ گزنده- پایتخت اتریش ۷. قسمتی در مادگی گل‌ها- گرد آمدن ۸. از اقمار مشتری- دریای عرب- تازه و جدید- میوه خوب ۹. خندان نیست- امپراطور آلمانی ۱۰. شیوا- پروردگار ۱۱. خاک صنعتی- سوغات گجرات- گروه کمک‌رسان- طریق کوتاه ۱۲. هوای جابجاشده- فریاد بلند- از گستره‌های آبی ۱۳. سمت راست- معیار- اسباب زندگی ۱۴. میل و رغبت- نشانی- لوس ۱۵. دوستان- از پل‌های تاریخی استان کرمانشاه.

عمودی:

۱. از دیدنی‌های تاریخی کرمانشاه ۲. دوست- زخم آب‌کشیده- شهر توریسم مذهبی عراق ۳. ورزش راکتی- علامت مفعولی- مساوی- سرزمین ۴. نگهبان چماق بدست- زیرکی- پدربزرگ ۵. پانصدهزار- پایتخت بحرین- ریگ نرم ۶. شماره ضربه سر- ایتالیای قدیم ۷. روز عرب- دردها ۸. زخم آب‌کشیده- اختیاری ۹. حنا- اجاره‌بها ۱۰. قعر جهنم- حیوان درنده- رازنگوی خانم‌ها ۱۱. حرف نفی عرب- کتاب شاعران- استان ادب‌پرور ۱۲. خو گرفتن- تاریکی شب- الهه شکار ۱۳. رونق دادن- اثر رطوبت- حرف درد- مادر پیامبر ۱۴. برعکس- کوه دیدنی سنندج- نظرات انتخاباتی ۱۵. ازجاذبه های طبیعی سرپل‌ذهاب.

جدول کلمات متقاطع شماره ۵۹۲

پاسخ جدول شماره ۵۹۱

	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
۱	ع	ب	د	ا	ل	ل	ه	ا	س	ک	ن	د	ر	ی	■
۲	ی	ا	س	ی	ن	■	د	ر	و	ا	■	ش	ا	م	خ
۳	ا	د	■	ا	د	م	■	س	ر	ن	ق	■	ن	ی	ا
۴	ل	ب	و	■	ن	ا	ر	■	ا	و	ی	ن	■	ن	ک
۵	و	ا	ر	و	■	ش	ا	ه	خ	ا	م	و	ش	■	و
۶	ا	ن	و	ا	ر	■	■	■	ت	■	ت	ا	ر	ی	خ
۷	ر	■	د	ی	د	■	■	■	ر	■	ا	ر	ا	س	و
۸	■	ن	■	ا	ه	■	■	■	■	ک	■	ر	■	ا	ن
۹	ب	ا	د	■	■	■	■	■	ا	ت	■	■	ت	ر	■
۱۰	ا	ی	ر	س	ا	■	■	■	ر	و	ن	و	ن	■	گ
۱۱	ی	■	س	ی	ر	ک	ب	ز	ر	گ	■	ت	ب	ا	ر
۱۲	و	ک	■	د	ا	ر	و	■	ب	ا	ن	■	ا	س	د
۱۳	ب	ر	ا	■	ن	و	ر	س	■	ر	ا	د	■	ا	ب
۱۴	ا	ی	م	ا	■	ن	ا	ی	ل	■	س	ی	ن	م	ا
۱۵	ب	ه	ت	ه	ر	ا	ن	خ	و	ش	ا	م	د	ی	د

سرانجام اصلاحات

محمدباقر رحیمی

کم نیستند کسانی که اصلاحات را فرجام یافته و مرده درنظر می‌گیرند. اگر کار اصلاح را در میان دولتمردان در نظر بگیریم، این دیدگاه البته درست است؛ اما اگر اصلاح و اصلاحات را فراتر از کارگزاران دولتی در نظر بگیریم، نمی‌توان مدعی شد که اصلاحات مرده است. اصلاح‌طلبی ضرورتی غیر قابل کنار گذاشتن است. هم‌چنان که تن یک فرد با فرسودگی و بیماری همراه می‌شود و به‌ناچار هراز چند گاهی به درمان نیاز پیدا می‌کند، جامعه نیز به همین‌سان بیمار می‌شود، پیر می‌شود و لذا باید درمان شده و با تغییر رویه به اصلاح آن پرداخت. در غیر این‌صورت چه فرد و چه جامعه می‌میرد یا به فوریت و یا در کوتاه‌مدت. این تقدیر جبری هر فرد و هر جامعه‌ای است. از آنجا که تعریف اصلاحات خود تا حدی از ابهام برخوردار بوده و اجماعی بر سر آن نیست، مخالفان اصلاح از این ناحیه خود را پیروز میدان دانسته و خطاب با اهل اصلاح می گویند اگر دیدگاه شما درست است برای ما مفهوم اصلاح را روشن نمایید.

به واقع به جهت چندگونگی، گستردگی و چند لایه بودن اصلاحات نمی‌توان تعریف واضحی از آن ارائه داد. شاید بتوان گفت اصلاح همچون هواست که از بس ضرورت دارد، احساس ضرورت آن جز در هنگام خفگی به آدمیان دست نمی‌دهد. مخالفان اصلاحات اگر پایبند به مبانی دینی باشند، در معارف اسلامی نیز می‌بینیم به گونه‌ای دیندار بودن جز با اهل اصلاح بودن ممکن نمی‌شود. به زبان معارف اسلامی می‌توان مدعی شد تا حد زیادی دینداری برابر با اصلاح‌گربودن است چه فردی و چه جمعی. به این معنا هدف دین پیرایش است، پیرایش رذایل اخلاقی و افزایش فضایل اخلاقی که در مجموع تزکیه و تقوا نام می‌گیرد و از جهت اجتماعی نیز می‌توان نمونه‌ی بزرگ این موضوع را به حسین‌بن‌علی (ع) نسبت داد. او در واقعه‌ی دهشتناک کربلا هدف اساسی خود را اصلاح امت جدش معرفی می‌کند. نمی‌توان ادعای دینداری داشت، مگر اصلاح‌گر باشی. در حداقل آن اصلاح‌گری فردی است و حداکثر آن اصلاح‌گری اجتماعی. (در عین حال نمی‌توان گفت اصلاح‌طلبی معارض با اصول‌طلبی است، بلکه مکمل آن نیز هست)

اصلاح‌طلبان قلابی: از دیگر مشکلات جامعه‌ی ما در حال حاضر وجود اصلاح‌طلبان قلابی است. کسانی که به جهت همرنگی با جماعت، نفوذ، داشتن مصادر دولتی و یا حفظ منافع خود را اصلاح‌طلب می‌نامند، لیکن در باطن با آن همراه نیستند. این وضعیت از آن رو است که یا آگاهی چنین کسانی به حدی نرسیده که اهمیت و ضرورت این موضوع را درک کنند و یا چه بسا لزوم تغییرات اجتماعی را فهمیده باشند، اما حاضر به دادن هیچ‌گونه هزینه‌ای در این راه نیستند. بنابراین به حقیقت بین چنین کسانی با محافظه‌کاران تفاوتی در صحنه‌ی اجتماعی وجود نخواهد داشت.

نوگرایی: چنان که گفته شد اصلاح‌طلبی و اصول‌طلبی نه‌تنها رو در روی یکدیگر قرار نمی‌گیرند، بلکه به‌گونه‌ای مکمل هم نیز هستند. اما در مورد نوگرا بودن این قضیه صادق نیست. اصلاح‌طلب نمی‌تواند نوگرا نباشد. اگر چه سنت از جهاتی مثبت و از جهاتی منفی و غیر قابل پذیرش باشد، در عین حال اصلاح‌طلبی به‌طور دقیق این معنا را دارد که رو به پیش دارد و می‌خواهد از معایب گذشته دوری گزیده و به نوآوری‌ها روی باز نشان دهد. اگر چه این روی‌آوری نیز با پالودگی و نقد همراه خواهد بود. همچنان که سنت و گذشته را نیز با نقد و پالودگی می‌پذیرد. آنچه برخی که خود را اصول‌گرا می‌نامند انجام نمی‌دهند، یعنی نوآوری را نپذیرفته و اهل تغییر نیستند. اهل اصلاح‌گری، تغییر را می‌پذیرد و اگر چه اصلاحات به هر روی با جنبه‌های سیاسی همراه خواهد بود، اما بنیاد اصلاح و دگرگونی فکر و عقلانی یعنی ریشه‌ای در مواردی دگرگونی به‌وجود می‌آورد، این موارد را می‌توان با تعبیر اصلاح انقلابی استفاده کرد، زیرا هم ریشه‌ای است و هم در زمان کوتاه‌تری به انجام می‌رسد. طبیعت اصلاح‌طلبی چنین است که زمان طولانی‌تر برای به فرجام رسیدن آن باید صرف کرد. ولیکن برخی تا آن حد به محافظه کاری نزدیک می‌شوند که گویی تا آن حد این زمان طول باید بکشد که انتهایی برای آن نمی‌توان در نظر گرفت. نمی‌توان چون اهل اصلاح هستی (و نه انقلاب) حرکت برای تغییر را لاک‌پشت‌وار انجام دهی. چنین اصلاح‌طلبی ممکن است هرگز به هدف خود نرسد. بنابراین لازم به‌نظر می‌رسد که یک محدوده‌ی زمانی در نظر گرفته شود و این گونه نباشد که تفاوت نکند که فرد یا جامعه چه زمانی به مطلوب نظر خود می‌رسند. این نوع اصلاح‌خواهی مطلوب کسانی است که از دلیری کافی در عمل برخوردار نیستند و یا باور و ایمان کافی به اهداف خود ندارند و لذا دائم دست و دل آنها می‌لرزد.

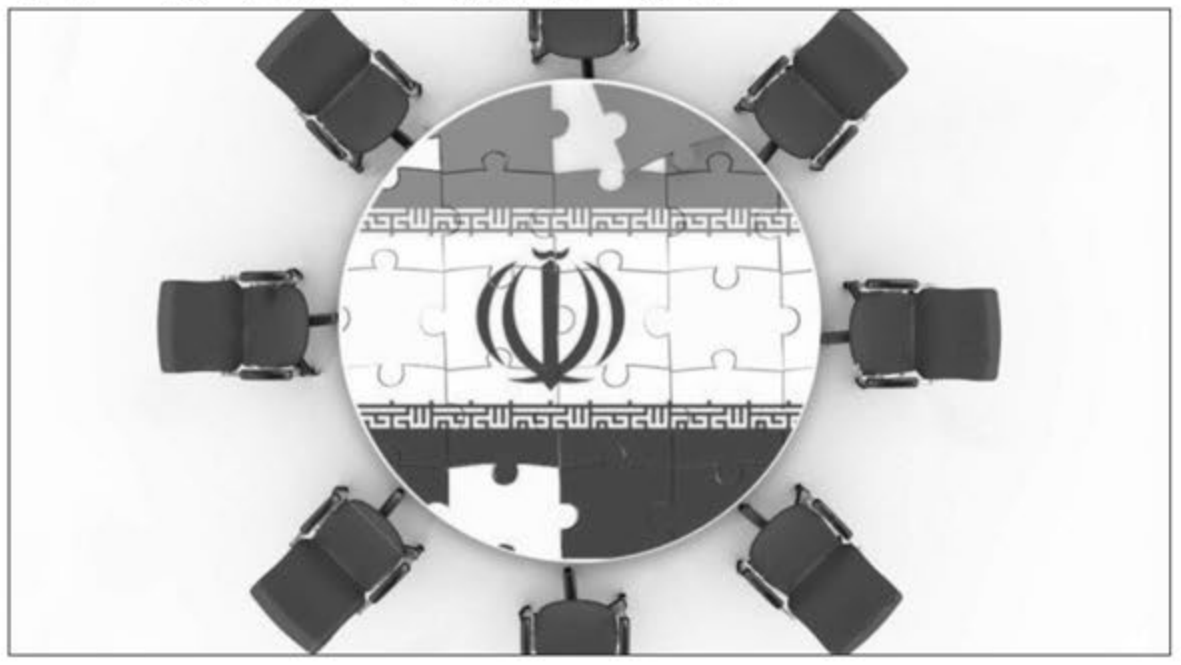

بنابراین باید گفت فرد یا جامعه بسیار محافظه‌کار و مصلحت‌اندیش نمی‌تواند اصلاحات اساسی و لازم خود را انجام دهد، زیرا از شجاعت کافی برخوردار نبوده و نمی‌خواهد برای رسیدن به اهداف خود هزینه کند.

آگاهی: چالش اساسی دیگر در فرایند اصلاحات نبود وجود آگاهی به اندازه کافی است. باید پذیرفت در رخداد انقلاب اسلامی سال ۵۷ به‌عنوان یک تجربه‌ی بزرگ تاریخی این آگاهی به حد لازم نبود. این کمبود موجب شد که اصول و ارزش‌های اصلاح انقلابی در آن برهه به حد کافی درونی نشده و پذیرش آن به‌طور همگانی سخت و دشوار باشد. وجود جامعه‌ای باز و مملو از اطلاعات، پیش‌زمینه‌ی آگاهی است. اگر منبع تولید اطلاعات انحصاری باشد، زمینه اصلاح به‌وجود نخواهد آمد. خوشبختانه امروزه با وجود تکنولوژی‌های نوین انحصار اطلاعات و ارتباطات به کنار رفته و از جهت مثبت این ابزارها موجب می‌شوند اطلاعات عمومی و همگانی افزایش یابد. از این لحاظ امید به اصلاح در جوامع بیشتر خواهد بود. بالاخره در پاسخ به کسانی که می گویند اصلاحات مرده است باید از سخن فیلسوفی چون دیویی بهره گرفت وی در مقابل آنانی که ناامید از رسیدن به دموکراسی در حد کافی بودند گفت برای پایداری دموکراسی بیشتر می‌بایست هم‌چنان به دموکراسی پرداخت و حال نیز می‌توان گفت برای اصلاحات بیشتر هم چنان می‌بایست به اصلاحات دست زد. اگرچه اصلاح‌طلبان حقیقی و غیر دولتی منزوی شده‌اند، ولیکن افراد و نهادهای مردم‌نهاد همواه می‌توانند در راه اصلاح بکوشند و به‌ویژه به بنیادی‌ترین اصلاحات بپردازند که اصلاح فرهنگی است و اگرچه دیر زمانی پاسخ خواهند گرفت، اما در عین حال دگرگونی در فرهنگ بر ارکان دیگر نیز تاثیر خود را می‌گذارد.

۴۰ درصد موالید کشور سقط می‌شوند!

دبیر مرکز مطالعات راهبردی جمعیت گفت: در زمان حاضر سالانه ۴۰۰هزار سقط غیرقانونی در کشور داریم، درحالی که تعداد موالید کل کشور بین یک میلیون تا یک میلیون و ۱۰۰هزار نفر در سال است. به‌عبارتی بیش از ۴۰درصد موالید کشور در پدیده سقط‌جنین از بین می‌روند. صالح قاسمی افزود: اینکه سالانه ۳ تا ۴ هزار سقط جنین «غیرارادی» در کشور اتفاق می‌افتد، اما سقط جنین‌های ارادی به دو دسته تقسیم می‌شوند که دسته نخست با مجوز پزشک و پزشکی قانونی به‌صورت قانونی انجام می‌شود. وی ادامه داد: البته این‌گونه سقط‌ها هم محل بحث کارشناسان است؛ متاسفانه بعضی از پزشکان عزیز اخلاق حرفه‌ای را رعایت نمی‌کنند و مجوزهای بی‌دلیلی در این رابطه صادر می‌کنند؛ این نوع سقط، ۱۰ تا ۱۲ هزار مورد در سال ثبت شده است. نویسنده مجموعه «جنگ جهانی جمعیت» ادامه داد: دسته دوم سقط جنین‌های ارادی که بسیار جای نگرانی دارد؛ این سقط‌ها به‌صورت غیرقانونی، بدون مجوز، خارج از شبکه بهداشت و درمان

و به‌طور زیرزمینی اتفاق می‌افتد، این نوع سقط به ۴۰۰ هزار مورد در سال می‌رسد! وی گفت: در زمان حاضر یقینا سالانه ۴۰۰ هزار سقط غیرقانونی در کشور داریم با این حال، آمار و ارقام سقط غیرقانونی یا به‌تعبیری «جنایی» خیلی بیشتر از این میزان است! قاسمی به تسنیم گفت: سقط‌جنین آثار بسیار مخربی روی مادر و خانواده دارد و بسیاری از کسانی که سقط غیرقانونی می‌کنند، قدرت باروری خود را از دست می‌دهند؛ ما قانون مدیریت سقط جنین را داریم اما این قانون هم ناقص بوده و به‌طور کامل به اجرا درنیامده است.

تمدید مهلت ثبت‌نام بیمه تکمیلی عمر و حوادث بازنشستگان کشوری

مدیرکل امور فرهنگی و اجتماعی صندوق بازنشستگی کشوری از تمدید مهلت ثبت نام بیمه تکمیلی عمر و حوادث بازنشستگان تا پایان فروردین‌ماه خبر داد. محمود مرتضایی‌فرد گفت: بیمه تکمیلی عمر و حوادث بازنشستگان خدمت جدیدی است که امسال به بازنشستگان ارائه می‌شود و دارای سه سطح مختلف است براساس انتخاب هرکدام از سطوح ماهانه مبلغ ۲۰، ۳۰ و یا ۵۰ هزار تومان از حقوق بازنشستگان کسر می‌شود. وی افزود: این بیمه نامه خدمات مختلفی اعم از پرداخت خسارت حوادث و غرامت فوت به‌علت بیماری‌ها از جمله بیماری کرونا را پوشش می‌دهد و برای ثبت نام و دریافت خسارت، سقف سنی ندارد. وی درباره امکان ثبت نام افراد تحت تکفل نیز گفت: بعد از اتمام مهلت ثبت نام، فهرست نهایی را اول اردیبهشت‌ماه در اختیار بیمه ملت قرار می‌دهیم. پس از آن امکان اضافه‌کردن افراد تحت تکفل وجود دارد. به گزارش ایسنا، بازنشستگانی که تمایل دارند از این پوشش جدید بیمه‌ای برخوردار شوند، می‌توانند با ورود به درگاه خدمات الکترونیکی صندوق بازنشستگی کشوری به آدرس sabasrm.ir مراجعه و به بخش بیمه تکمیلی عمر و حادثه، ضمن اطلاع از سه سطح بیمه نامه، نسبت به انتخاب یکی از سطوح و ثبت‌نام در آن اقدام کنند. افزایش سقف پرداخت فوت به هر علت، بالا بردن سقف پرداخت فوت بر اثر حادثه، پرداخت غرامت روزانه بستری و پرداخت خسارت به منازل مسکونی شامل ساختمان، تاسیسات و اثاثیه در صورت بروز حوادثی مانند آتش‌سوزی، زلزله و سیل از جمله مزیت‌های این بیمه است و بر اساس توافق با بیمه ملت، امکان برخورداری بازنشستگان و وظیفه‌بگیران کشوری از بیمه عمر و حوادث با شرایط ویژه و در سه سطح فراهم شده است. تمام بازنشستگان و وظیفه بگیران کشوری می‌توانند تحت پوشش این طرح قرار بگیرند و تنها استثنا مربوط به افراد دارای سابقه بیماری‌های خاص مانند سرطان، دیالیز، تالاسمی، MS، بیماری‌های شدید اعصاب و روان، هپاتیت، هموفیلی، دیابت شیرین و ایدز است. مدت زمان این بیمه‌نامه یک‌ساله و از یکم فروردین تا ۲۹ اسفند ۱۴۰۰ است.

ادامه تیتر یک

دکتر کلهر نیا درباره طرح ادغام نهادهای حمایتی با نقدحال مطرح کرد:

از اصلاح نهراسیم!

وی افزود: این نهادها باید افراد را توانمند کنند و متناسب با قابلیت‌ها و فراگیری آنها پیش بروند و ببینند چه مهارتی دارند که می‌توانند یاد بگیرند و به چه علاقمند هستند و به آنها انگیزه داده شود که در مسیر درست و آموزش حرکت کنند این افراد کارآمد شوند و به سیستم تولید نظام اجتماعی برگردند. وی همچنین از تجارت جهانی گفت و ادامه داد: حتی در جهان سوم و در کشور فیلیپین سال‌ها بعد از انقلاب، نیروی انسانی صادر می‌کرد و افرادی که به ایران و برای ایران کار می‌کردند دارای معلولیت‌های جسمی بودند اما آنچنان کارآمد شدند که تبدیل به نیروی صادراتی شدند. کشورهای جهان سومی از ژاپنی‌ها یاد گرفتند و از مددجویان در راستای تولید استفاده کنند. دکتر بیژن کلهرنیا از ساختارهای حمایتی موجود انتقاد کرد و افزود: کمیته امداد و بهزیستی باید افراد ناتوان را به افراد توانمند تبدیل کنند. افراد نیازمند، فکر می‌کنند ناتوان و مستحق کمک و اعانه زندگی هستند. باید از تکنولوژی‌های نو و تازه استفاده شود و روش خاصی برای آموختن و یادگیری ایجاد شود. باید به آنها بیاموزیم چطور یاد بگیرند، چطور بیاندیشند و چگونه اعتماد به نفس و امید پیدا کنند. دانشگاه‌ها به دانشجویان و کمیته امداد و بهزیستی به مددجویان باید تکنیک فکرکردن را آموزش بدهند و این که چگونه به زندگی عادی، توانمند و کارآفرین برگردند. بعد از انقلاب به‌علت بعضی از سمپاتی‌ها و قاعده‌های فکری، باور بر این بود که گروهی از افراد جامعه را باید همیشه مورد حمایت‌های خاص قرار بدهیم. همه نهادهایی که خارج از بودجه دولت، بودجه می‌گیرند و به دولت حساب پس نمی‌دهند، به‌نوعی فکر می‌کنند باید افراد را تحت حمایت معیشتی قرار بدهند. این مسلک و فرایندی است که اگر تحت حمایت قرار بگیرند حتما به آنها یارانه می‌دهند، فقط کمیته امداد نیست، بخشی از بودجه صرف اموری می‌شود که افراد همیشه تحت حمایت آن سازمان باشند. استاد دانشگاه رازی گفت: بالاترین فاجعه انسانی در هیروشیما و ناکازاکی شکل گرفت. و در زمان کوتاه و با بمباران اتمی آمریکا در ۳۳۰ هزار نفر کشته و میلیون‌ها نفر ژاپنی معلول شدند. اما همان جمعیت بعد از مدت ۵ سال با آموزش صحیح، صاحب نیروهایی توانمند شدند و به‌عنوان افراد متخصص به جامعه برگشتند و پیشروان توسعه شدند. جنگ دو کره، سه میلیون معلول داشت بلافاصله بعد از مدتی، افراد توانمند شده و خانه‌ها تبدیل به کارگاه اقتصادی شد، حتی کشور ویتنام بعد از سال‌ها جنگ با آمریکا که سوخت و ویران شد و میلیون‌ها نفر معلول به‌جا گذاشت و در حال حاضر بزرگترین تولیدکننده‌ی کفش دنیاست. کلهرنیا با انتقاد از ساختار مدیریتی، گفت: این الگوی بدآموزی چطور در جامعه‌ی ما رشد پیدا کرده است که افراد همیشه باید تحت حمایت باشند. بعد از چهل سالگی انقلاب هیچ تغییر و تحولی در این سازمان‌ها و نهادها به‌وجود نمی‌آید، بنابر یک ضرورت این سازمان‌ها تشکیل شدند، ولی بدون تحول در حال فعالیت هستند و میلیاردها تومان در سال بودجه مملکت را در اختیار دارند و تلف می‌کنند. جامعه به‌شدت نیازمند تحول است. عقب‌ماندگی در تعریف ساده توسعه یعنی سازمان‌نیافتگی، چند هزار سال تجربه زندگی تدریجی و اجتماعی را پشت سر گذاشتیم و به مدنیت امروز رسیدیم. جامعه اگر بعد از ۴۰ سال تحول پیدا نکند، پشت‌کردن به توسعه تمدن و مدنیت است. بالاترین دستاورد بشر مدنیت و تمدن است. جامعه‌ای که چند سال تحول پیدا نکرد، متهم به توسعه‌نیافتگی است، تحول پیدا نکرده و این نهادها باید تحول پیدا کند. تجارب جهانی در کشور آلمان وجود دارد، در آنجا بسیاری از کودکان و زنان معلول بازسازی کشور آلمان را بعد از جنگ جهانی انجام دادند.

کلهرنیا گفت: از تغییر، تحول و اصلاح نباید هراس داشته باشیم. باید از دستگاه تولید رای در انتخابات که در این سازمان‌ها وجود دارد، جلوگیری شود، شان و منزلت انسان‌ها باید حفظ شود. مدیران سازمان کمیته امداد و بهزیستی به فکر تجدید سازمان خود باشند. به‌جای اینکه پول دست مردم بدهند که خروجی آن تورم است. پولی که به تولید تبدیل نشود به تورم دچار خواهد شد. کارآفرینی یعنی در ذهن انسان بکاریم که صبح از خواب بیدار می‌شود در ذهن‌اش برنامه‌ریزی داشته باشد باید چه کارهایی انجام دهد. یکی از موارد توسعه‌نیافتگی در کشور که باید به آن بپردازیم و واهمه نداشته باشیم و باید بازنگری شود، تغییر و اصلاح سازمان‌ها و نهادهاست. وی افزود: سازمان‌ها و نهادهایی که افرادی را حمایت می‌کنند چه سازمان بهزیستی به‌عنوان دولت و چه کمیته امداد به‌عنوان نهاد و سایر سازمان‌ها که خارج از دستگاه‌های حاکمیتی، باید حمایت شوند و اساسنامه‌های آنها باید مورد بازنگری قرار گیرد. باید به دنبال تحول باشیم. در این سازمان‌ها از وظایف اساسنامه، شرح وظایف، بودجه سالیانه، شیوه‌نامه آنها و هر چیزی که وجود دارد باید تغییر پیدا کند که مثل بختک و کابوس شده است و در این چارچوب دارد تکرار می‌شود و منابع را ضایع می‌کند. وی با اشاره به عوامل پیشرفت کشورهای مختلف، گفت: این سازمان‌ها اول باید بازنگری و سپس کوچک‌سازی و بهینه‌سازی شوند. این سازمان‌ها خود به‌خود گسترده شده‌اند و خود کمیته امداد در حد و اندازه یک وزارتخانه است. کشور ژاپن، چین و کره‌جنوبی دولت‌های خود را کوچک کردند و به توسعه رسیدند هرچه تشکیلات بزرگ‌تر باشد کارایی کوچک‌تر می‌شود.

وی در پاسخ به سوال خبرنگار روزنامه نقدحال مبنی بر برون‌سپاری پرونده‌های مددجویان، گفت: هر چه وظایف به دیگران سپرده شود و نهادها مستقر می‌شوند و سازمان‌ها و نهادهای موازی‌کاری، مشابه هستند و باید با هم ادغام شوند، سازمان‌های حمایتی باید ابزار برنامه‌ریزی یکساله و پنج ساله و پنجاه ساله داشته باشند و تجارب جهانی را در نظر بگیریم. وظایف کمیته امداد را به نهادهای خصوصی داده و این افراد را ارتقا بدهند ظرف سه سال، فرد مورد حمایت باید در جامعه پذیرفته شوند. روش کار و برنامه آموزشی در اختیار آنها قرار بگیرد. آنچه قابل مشاهده است در کمیته امداد و بهزیستی آموزش مستمر وجود ندارد. باید دستگاه حمایتی با ادغام و کوچک و متمرکزشدن تبدیل به دستگاه نظارتی شوند و دارای برنامه‌ریزی قوی قانون‌گذار و سیستم نظارتی حاکم باشد. سازمان‌های حمایتی باید از تجارب و مدل‌های جهانی استفاده کنند و دوره بازسازی و تجدید حیات باشند و نام آن را سازمان حمایتی ناتوان اجتماعی بگذاریم.

وی ضمن انتقاد از روش سازمان‌های حمایتی گفت: با وام‌دادن به مددجویان آنها توانمند نمی‌شوند. ایجاد یک سیستم نظارتی و آموزش مداوم اشتغال پایدار با مشارکت مددجو ایجاد شود و زمانی که مددجو ارتقا پیدا کرد به جامعه برگردد. مسوول اصلی مملکت و توسعه، دولت است. هیچ نهادی نمی‌تواند جایگزین دولت شود. باید بپذیریم هر نهادی که تشکیل می‌دهیم قسمتی از دولت را تضعیف کردیم. باید دولت مسوول و پاسخگو و قاطع باشد. همه سازمان‌های حمایتی باید در دولت ادغام شوند و وزارتخانه تشکیل شود.

وی افزود: سیستم دانشگاهی باید متحول شود و دانشجویان رشته مددکاری اجتماعی در طی مدت تحصیل در کنار خواندن جزوه و کتاب قبل از ورود به بازار کار دوره‌های آموزشی و استارتاپی و ضمن بازدید و کار علمی و عملی سپس وارد جامعه شوند. وی نقش موسسات خیریه را مخرب دانست و گفت: بدون برنامه‌ریزی و چارچوب فکری و عدم برخورداری از یک ستاد هدایت‌کننده که فقط پول و کالا توزیع می‌کنند، افراد همچنان فقیر و محتاج می‌مانند و دیگر توانمند نمی‌شوند.

خبر

«بی‌تفاوتی اجتماعی» چگونه از بین می‌رود؟

جامعه‌شناس و استاد دانشگاه گفت: انسان در یک جامعه به‌سمت فضای اجتماعی غالب کشیده می‌شود، بنابراین جو مبتنی بر قدرشناسی و شناخت رفتارهای خیرخواهانه، بی‌تفاوتی اجتماعی را از بین خواهد برد.

امید علی‌احمدی افزود: در یک جامعه سنتی روستایی اشخاص به‌دلیل شناخت یکدیگر، نمی‌توانند نسبت به سرنوشت خود و دیگران بی‌اعتنا باشند؛ وظایف و مسوولیت‌های اجتماعی را می‌پذیرند و در صورت عدم انجام تعهدات اجتماعی به جهت اعمال کنترل و نظارت جامعه به طرق مختلف تحت مجازات‌های اجتماعی قرار می‌گیرند.

وی ادامه داد: این مجازات می‌تواند در سطح خرد نظیر چشم‌غره رفتن، سلام و احوالپرسی سرد اهالی جامعه یا عدم انجام معاملات اجتماعی با شخص باشد. علی‌احمدی گفت: بنابراین در یک جامعه سنتی، بی‌تفاوتی اجتماعی و عدم انجام نقش‌ها رنگ باخته و تبعه روستا یا شهر جرات بی‌اعتنایی به مسائل اقتصادی و اجتماعی یکدیگر را نخواهند داشت.

این استاد دانشگاه افزود: با توسعه شهرنشینی اما شهروندان پشت سر یکدیگر سنگر می‌گیرند؛ یکدیگر را نمی‌شناسند و این امر سبب «گم‌گشتگی اجتماعی» می‌شود.

وی ادامه داد: با گسترش این احساس، شهروندان از وظائف نقش سرپیچی می‌کنند، مسوولیت‌های اجتماعی را نمی‌پذیرند و با تجربه احساس تنهایی به نقطه بی‌تفاوتی اجتماعی می‌رسند. علی‌احمدی گفت: این امر همچنین با تشدید احساس عدم امنیت به هنگام انجام اعمال خیرخواهانه و نبود پیوندهای اجتماعی با مناسبات مدنی بیش از پیش تقویت می‌شود و شهروندان احساس می‌کنند، در صورت انجام اقدامات خیرخواهانه با استقبال عمومی روبه‌رو نمی‌شوند و گاه از این ناحیه (اجتماع) آسیب می‌بینند. این جامعه‌شناس افزود: ناامنی اقتصادی و اجتماعی نیز می‌تواند جامعه را به سمت بی‌تفاوتی اجتماعی سوق دهد و به اصطلاح عامیانه تفکر «گلیم خود را از آب بیرون کشیدن» را تقویت کند.

وی ادامه داد: در این جامعه احساس می‌شود، انجام امور خیر به با دریافت پاداش همراه نمی‌شود و شهروندان تحت نظارت اجتماعی قرار ندارند. بنابراین در این شرایط فردگرایی خودخواهانه حاکم شده و بی‌اخلاقی اجتماعی رواج می‌یابد.

این تحلیلگر اجتماعی گفت: رواج فردگرایی خودخواهانه نیز بی‌تفاوتی اجتماعی را تقویت و تبعه جامعه به شکل جزیره‌ای در حباب‌های شخصی و خانوادگی فرومی‌روند و این فرآیند را به فرزندان خود هم آموزش می‌دهند. علی‌احمدی افزود: اما اهالی یک جامعه باید بدانند، بی‌تفاوتی نسبت به مسائل اجتماعی دیگران می‌تواند برای عموم سبب خسران شود. وی به ایرنا گفت: توجه به مسائل اجتماعی دیگران و اعمال خیرخواهانه موجب بهبود وضعیت اجتماعی کشور و افزایش سرمایه‌های ملی خواهد شد.

اطلاعات کاربران «کلاب‌هاوس» فاش شد

اطلاعات شخصی ۱.۳ میلیون کاربر شبکه اجتماعی «کلاب هاوس» از طریق یک انجمن هکری در فضای آنلاین منتشر شده است. اطلاعات فاش‌شده شامل نام کاربر، نام پروفایل و اطلاعات دیگر است. البته کلاب هاوس نسبت به درخواست اظهارنظر این رسانه پاسخی نداده است. طبق گزارش «سایبرنیوز» اطلاعات فاش‌شده کاربران را در معرض حملات فیشینگ یا سرقت هویت قرار می‌دهد. شبکه اجتماعی کلاب هاوس که فقط از طریق دعوتنامه می‌توان در آن فعالیت کرد، در مارس ۲۰۲۰ میلادی افتتاح شد. این اپ چت صوتی به کاربران اجازه می‌دهد در گفتگوها با اتاق‌هایی با موضوعات مختلف عضو شوند.

به گزارش بیزینس اینسایدر، فاش‌شدن اطلاعات کاربران کلاب هاوس، جدیدترین خبر در حوزه افشای اطلاعات کاربران شبکه‌های اجتماعی در روزهای اخیر است. سه‌شنبه هفته گذشته اطلاعات خصوصی بیش از ۵۰۰ میلیون کاربر لینکدین برای فروش در فضا آنلاین عرضه شد. قبل از آن نیز نام کامل، آدرس ایمیل و دیگر اطلاعات حساس ۵۳۳ میلیون کاربر فیس‌بوک فاش شده بود.

خبر

کارگاه‌های آموزشی «سینماحقیقت» منتشر می‌شود

مخاطبان سینمای مستند، دانشجویان و دانش‌پژوهان می‌توانند نسخه تصویری کارگاه‌های آموزشی چهاردهمین جشنواره «سینماحقیقت» را در سایت مرکز گسترش سینمای مستند و تجربی مشاهده کنند.

به‌گزارش مرکز ارتباطات و اطلاع‌رسانی مرکز گسترش سینمای مستند و تجربی، با توجه به همه‌گیری ویروس کرونا، یکی از برنامه‌های مرکز گسترش سینمای مستند و تجربی در سال ۱۴۰۰ توجه به برگزاری برنامه‌های برخط (آنلاین) و تولید محتوا در شبکه‌های اجتماعی است.

برگزاری کارگاه‌های آموزشی مرتبط با سینمای مستند یکی از بخش‌های چهاردهمین جشنواره فیلم مستند ایران «سینماحقیقت» بود. قرار است فیلم این کارگاه‌ها که اغلب آنها قالب پرسش و پاسخ دارند، در سایت مرکز گسترش سینمای مستند و تجربی، سایت آپارات و شبکه‌های اجتماعی منتشر شوند تا علاقه‌مندان بتوانند از آنها استفاده کنند. پیش از این ۲فیلم از مجموع ۱۹ کارگاه، در سایت مرکز و آپارات منتشر شده است.

مرکز گسترش سینمای مستند و تجربی از ۲۵ فروردین، هر چهارشنبه یک کارگاه از این مجموعه را منتشر کرده و در دسترس دوستداران سینمای مستند قرار خواهد داد.

اظهارنظر شهرام ناظری درباره موسیقی پایانی «نون خ»

شهرام ناظری ـ خواننده نام آشنای کشورمان ـ درباره موسیقی «نون خ ۳» و تیتراژ قسمت پایانی این سریال با قطعه «لیلم لیل» اظهارنظر کرد. در آخرین قسمت از سریال «نون خ ۳» قطعه قدیمی «لیلم لیل» با موسیقی ترکیه‌ای برای پخش انتخاب شد که از سوی برخی کارشناسان و رسانه‌ها با انتقاد همراه بود.

این قطعه کُردی که قدمتی دیرینه دارد، تاکنون بارها بازخوانی شده است و یکی از این بازخوانی‌ها در سال ۱۹۸۴ توسط ابراهیم تاتلیس ـ خواننده ترک که از مادری کُرد متولد شده ـ با عنوان «لیلیم لی» در قالب آلبوم «ماوی» اتفاق افتاده و در سکانس پایانی فیلم مشهوری ترکیه‌ای به‌همین نام هم استفاده شده است.

ناظری در این‌باره گفت: «به هر حال موسیقی کُردی همچون اقیانوسی بی‌انتهاست. مردم کُرد طی گذشت هزاره‌ها و قرن‌ها حافظ ارزش‌های آئینی، فرهنگی و هنری از جمله رقص و موسیقی بوده‌اند. تنوع شگفتی در موسیقی کُردی وجود دارد. شاید دوستان انتظار داشته‌اند، چون این سریال در داخل ایران تهیه شده بهتر بود که از موسیقی و هنرمندان داخل استفاده می‌شد یا حداقل در انتخاب قطعه موسیقی دقت و حساسیت بیشتری ابراز می‌شد.»

پیشتر هم این مساله را با هوشنگ جاوید مطرح کرده بودیم که او در پاسخ گفته بود: «اگر اکنون بخواهیم نسبت به این ماجرا حساس شویم خیلی دیر است. این اتفاق تقصیر اهمال‌کاری دستگاه‌های فرهنگی، به خصوص وزارت فرهنگ و ارشاد فرهنگی است که تنها از نظارت حرف می‌زنند ولی در عمل کاری نمی‌کنند. البته جوانان آهنگساز، مرزی برای فرهنگ‌ها و نوع ملودی‌ها قائل نیستند و مرز کلیه جغرافیای کشورها و مناطق کُردزبان را در نظر می‌گیرند، در نتیجه از موسیقی کُردی مثلا ترکیه در کار خود بهره می‌گیرند. از طرفی نمی‌توان به این اتفاق ایراد خاصی وارد کرد؛ چراکه ساختار استفاده شده دارای مشکل نیست و به مرور زمان به امری رایج بدل شده است.»

این کارشناس موسیقی در عین حال تاکید کرده بود: «اگر قرار باشد موسیقی کُردی با تکیه بر اصالت فرهنگی خودمان ساخته شود باید با تکیه بر موسیقی کُردی چهار استان کردنشین ایران صورت بگیرد. از یک سو مشکل تحقیق نکردن و نداشتن مشاور در تولید هست و از سوی دیگر هم در نظر گرفتن ذائقه امروز جوان‌ها؛ درحالی که اگر خوراک درست از طریق رسانه به آنها داده شود این مشکلات پیش نمی‌آید.»

ایسنا

نگاهی به فیلم (دیوانه‌ای از قفس پرید)

حکایت مردی که گفت: نه!

غلامحسین محبی- دنیای فیلم و سینما این فرصت را در اختیارمان قرار می‌دهد تا خودمان در دنیای دیگری، مکان دیگری و زندگی دیگری ببینیم و فرصت دیگری را تجربه کنیم. با وجود اینکه میلیون‌ها فیلم سینمایی موجود است اما در این شماره نقدحال، یک فیلم سینمایی را به شما معرفی خواهیم کرد که باید بیش از ۴۵ سالگی تماشا کنید. با وجود تعداد زیاد فیلم‌های موجود، این فیلم را برای دیدن به شما معرفی کنیم. امیدواریم که از آن لذت ببرید.

پرواز بر فراز آشیانه فاخته (Over The Cuckoo's Nest ۱۹۷۵) یا (دیوانه از قفس پرید) از بهترین فیلم‌های (جک نیکلسون) است. شخصیت مک مورفی ضمن اظهار به‌داشتن مشکلات روانی از زندان فرار کرده و در بخش مربوط به بیماران روانی بستری می‌شود و در آنجا با آزارها و تحقیرهای پرستاری به‌نام (راچت) مخالفت می‌کند. داستان و البته ساخت این فیلم بسیار عالی است.

میلوش فورمن، کارگردان ۸۶ ساله این فیلم، متولد جمهوری چک که با فیلم‌هایی چون «دیوانه از قفس پرید» و «آمادئوس» شهرت داشت، سال پیش در آمریکا درگذشت. فیلم «پرواز بر فراز آشیانه فاخته» محصول ۱۹۷۵ آمریکا، داستان شخصیتی منحصر به‌فرد با نام «مک مورفی» با بازیگری (جک نیکلسون) را روایت می‌کند که به اتهام ناروای تجاوز جنسی زندانی شده و سپس به‌بهانه ضرب و جرح نگهبانان زندان، به بیمارستان روانی ایالت منتقل شده است. او را به‌اینجا آورده‌اند تا از سلامت روانی او اطمینان پیدا کنند اما ساختار ارباب و بندگی بیمارستان روانی که فوکو از آن باعنوان نظام پدر و فرزندی یاد می‌کند به‌هیچ عنوان وجود شخصیتی ساختارستیز همچون مک مورفی را برنمی‌تابد. مک مورفی با دیوانگانی همدم شده که به‌نظرش بزرگترین حماقت‌شان این است که خودشان هم باورشان شده دیوانه هستند. رفتار و مناسبات این جمع به‌شدت برای مک مورفی آزاردهنده است اما او نه‌تنها خودش تسلیم این قوانین نظام خشک بیمارستان روانی نمی‌شود، بلکه دیگران را هم بر ضد این استبداد خوش‌رنگ و لعاب می‌شوراند.

یکی از خرده اربابان پرنفوذ این دیکتاتوری غیرانسانی، پرستار (راچت) نام دارد که وصف دیوانگی بیش از بیماران روانی بیمارستان در مورد خود او مصداق دارد. اما او پرستار است. پزشک آسایشگاه نتیجه‌ای جز تایید مطلق تصمیمات پرستار (راچت) است. (مک مورفی) حریم ممنوعه به‌نام قانون توسط مدیران آسایشگاه را به خود گرفته‌اند را در بیمارستان می‌شکند. بیماران را سوار بر اتوبوس به لب آب می‌برد. آنان را سوار بر کشتی می‌کند و به قصد ماهیگیری به‌دریا می‌زند. بهتر است، بقیه داستان را در فیلم ببینید. فورمن بیشتر شهرتاش را مدیون فیلم پرواز بر فراز آشیانه فاخته یا همان دیوانه‌ای از قفس پرید است. این فیلم تحسین بسیاری از منتقدان را به‌خود معطوف ساخت و بسیاری از جوایز معتبر سراسر جهان را در کارنامه‌اش ثبت کرد.

فیلم دیوانه‌ای از قفس پرید برگرفته از رمان معروفی با همین نام نوشته (کن کیسی) است که در سال ۱۹۲۶ توجه بسیاری را به‌خود جلب کرد. در ابتدا (کرک داگلاس) نویسنده و بازیگر سینما امتیاز ساختن فیلمی بر مبنای این کتاب را از کیسی خرید؛ اما نتوانست ساخت‌اش را آغاز کند و بعد از آن تصمیم بر این شد که فورمن به‌عنوان کارگردان و جک نیکلسون به‌عنوان بازیگر نقش اول (مک مورفی) ایفای نقش کند.

اگر دوست داشتید یک لیوان چای در یک لیوان دسته‌دار، حسابی پر بریزید، همراه با نقل بدمشکی جرعه‌جرعه بنوشید و تماشای این فیلم را از دست ندهید؛ از بازی بی‌نظیر جک نیکلسون لذت ببرید و جای ما را هم خالی کنید.

فیلم «دیوانه از قفس پرید» ساخته میلوش فورمن Milos Forman که چهل و دو سال پیش اکران شد، فروش بالا، نقدهای عالی، جوایز متعدد اسکار را به دست آورد. می‌توان به جرات گفت که این فیلم یکی از بهترین فیلم‌های جهان است و بر دید و عواطف بیننده تاثیر مستقیم خواهد نهاد. پیشنهادم این است که این فیلم را حتما ببینید.

کتاب تازه مجید قیصری منتشر شد

داستان بلند «ضیافت به صرف گلوله» نوشته مجید قیصری منتشر شد. این کتاب در ۹۶صفحه در مجموعه «دنیای ما» در انتشارات کتاب کوچه به‌چاپ رسیده است.

در معرفی کتاب «ضیافت به صرف گلوله» توسط ناشر عنوان شده است: مجید قیصری از سال‌ها پیش آثار متعددی را در حوزه ناگفته‌های جنگ ایران و عراق نوشته که یکی از آن‌ها «ضیافت به صرف گلوله» است. گرچه زمان این اثر در دوران پس از جنگ است، اما شخصیت‌های آن در طی یک حادثه مجبور به یادآوری خاطرات جنگ ایران و عراق می‌شوند.

ماجرای این کتاب از یک‌سری کارت‌های دعوت بی‌نام و نشانی شروع می‌شود که به‌دست چند نفر می‌رسد. آن‌ها به جایی مهمان می‌شوند که نمی‌دانند منزل کیست و چرا به این بزم دعوت شده‌اند.

عجیب این‌که وقتی می‌رسند، با لکه‌های خون مواجه می‌شوند. از همین‌جا ماجرای اصلی این کتاب که درباره خاطرات آن شخصیت‌ها و شخصی به نام بهزاد فرحان است، آغاز می‌شود.

مخاطب وقتی دیالوگ‌های این شخصیت‌ها را می‌خواند، به یاد دردها و خاطرات جنگ می‌افتد؛ فارغ از هیچ تقدس‌گرایی یا سطحی دیدن آن روزگار. او با حواشی واقعی جنگ مواجه می‌شود. با آدم‌هایی که پرونده مبارزات‌شان سال‌هاست بسته مانده و همین مهمانی و آن چند قطره خون، مجال بازگشایی آن را فراهم کرده است.

«سرزمین آواره‌ها» برنده بزرگ جوایز بفتا شد

فیلم «سرزمین آواره‌ها» ساخته «کلوئی ژائو» موفق به کسب چهار جایزه از جمله بهترین فیلم و کارگردانی از جوایز سالانه آکادمی فیلم بریتانیا شد.

به‌گزارش اسکرین، مراسم اعلام برندگان جوایز آکادمی فیلم بریتانیا (بفتا) از رویال آلبرت هال لندن برگزار شد و برگزیدگان به‌صورت مجازی در این رویداد شرکت کردند و در نهایت فیلم «سرزمین آواره‌ها» ساخته «کلوئی ژائو» موفق به کسب چهار جایزه بهترین فیلم، کارگردانی، بازیگر نقش اصلی زن (فرانسیس مک دورمند) و فیلمبرداری (جاشوا جیمز ریچاردز) شد تا با کسب جوایز اصلی گلدن گلوب، انجمن تهیه‌کنندگان و انجمن کارگردانان آمریکا، بخت نخست درخشش در جوایز اسکار باشد. البته در شش سال گذشته برنده بهترین فیلم جوایز بفتا و آکادمی اسکار یکسان نبوده است. در سایر بخش‌ها، «زن جوان خوش‌آتیه» به‌کارگردانی «امرالد فنل» جایزه بهترین فیلم بریتانیایی را کسب کرد و «راند دیگر» ساخته «توماس وینتربرگ» جایزه بهترین فیلم غیرانگلیسی زبان را به خود اختصاص داد. «آنتونی هاپکینز» برای بازی درخشان در فیلم «پدر» بهترین بازیگر نقش اصلی مرد شد و جوایز نقش مکمل مرد و زن نیز به ترتیب به «دنیل کالویا» (یهودا و مسیح سیاه) و «یو جونگ یون» (میناری) رسید. جوایز بهترین فیلمنامه اصلی و اقتباسی هم به ترتیب به دو فیلم «زن جوان خوش‌آتیه» و «پدر» اعطاء شد. «روح» به‌کارگردانی «پیتر داکتر» بهترین انیمیشن جوایز بفتا ۲۰۲۱ نام گرفت و «معلم اختاپوس من» هم بهترین مستند بلند شد.

وقتی بیکاری از کرونا خطرناک‌تر است

بازیگر سریال «ولایت عشق» گفت: بدون شک هر واکسنی که جواب دهد را می‌زنم و اگر واکسن ایرانی عملکرد خوبی داشته باشد چرا سراغ نسخه خارجی بروم، ما متخصصان بزرگ و متبحری داریم که قطعا می‌توانند بهترین نمونه واکسن را تولید کنند. محمد صادقی درباره مجموعه فعالیت‌های خود در عرصه بازیگری بیان کرد: از همان ابتدای شیوع بیماری کرونا یعنی بیش از یکسال است که بازیگری و تدریس بازیگری را کنار گذاشته‌ام و تنها مشغول به‌تالیف و ترجمه آثار در خانه هستم. وی ادامه داد: به‌امید خدا وقتی که این بیماری منحوس از کشور خارج شود بار دیگر به عرصه بازیگری و تدریس باز خواهم گشت. بدون شک برای من هم دوری از بازیگری سخت است اما ترجیح می‌دهم در محیطی ایمن به فعالیت بپردازم. وی درباره آینده سینمای کشور در دوران کرونا بیان کرد: به‌هیچ عنوان نمی‌توان چیزی را پیش‌بینی کرد، برخی می‌گویند این دوره جدید فصل تازه‌ای از کروناست که ممکن است سال‌ها ادامه داشته باشد پس نمی‌توان گفت که چه زمان شاهد بازگشت شرایط عادی به‌سینما و تئاتر خواهیم بود. این بازیگر باسابقه سینما و تلویزیون درباره آرزوی خود در سال جدید افزود: شخصا فارغ از مساله بازیگری و سینما آرزو می‌کنم که این بلا از سر تمامی مردم جهان رفع شود. به‌واقع در شرایط بسیار نامطلوبی به سر می‌بریم، بنده متاسف می‌شوم که هر روز شاهد شنیدن آمار فوت و ابتلا به کرونا هستیم و صد افسوس خوردم که در سالی که گذشت بسیاری از هنرمندان را هم به‌دلیل کرونا از دست دادیم. وی در مورد بازیگرانی که در شرایط فعلی کرونا مشغول کار هستند ادامه داد: به‌هیچ‌وجه کسی را تقبیح نمی‌کنم، ما در شرایط زندگی افراد نیستیم و طبیعتا اگر بازیگری در شرایط خطرناک کرونایی جلوی دوربین می‌رود دلایل قانع کننده‌ای دارد و به‌هیچ وجه نمی‌توان آن را قضاوت کرد. من سال‌هاست که بازیگری کرده و به‌نوعی کارهای خودم را انجام داده‌ام، به‌همین خاطر اگر دو سال هم از بازیگری دور شوم و استراحت کنم اتفاقی نمی‌افتد اما نمی‌توان به‌جوانان و برخی بازیگران پیشکسوت که جلوی دوربین می‌روند خرده‌ای گرفت. زیرا معتقدم که مضرات بیکار بودن بازیگران از خود کرونا هم خطرناک‌تر است.

وی با اشاره به اکران فیلم لاله در نوروز امسال افزود: امسال و در اکران نوروزی فیلم خوب «لاله» را روی پرده داشتم اما متاسفانه این فیلم با استقبال خوبی مواجه نشده است، این اتفاق البته طبیعی است زیرا مردم به سینما نمی‌روند و برای این نرفتن هم دلایلی منطقی دارند. وی با اشاره به لزوم واکسیناسیون کرونا ادامه داد: شرایط وخیم فعلی فراتر از سینما و تئاتر بوده و تمامی اقشار جامعه را درگیر کرده است. کشور ما کشور توانمندی است و به‌نظرم باید در فرایند واکسن تسریع حاصل نماید. همچنین از نظر من برای خاتمه دادن به کرونا نیازمند وضع مقررات جدی‌تری درباره تردد‌های بین شهری و فعالیت‌های جمعی هستیم. وی بیان کرد: به‌نظر من اینکه بگوییم مسوولین فرهنگی باید به‌هنرمندان کمک کنند درست است اما این کمک نباید صرفا برای هنرمندان باشد و مسوولین باید هر قشری را که نیازمند است را حمایت کنند تا این قافله کرونا تمام شود.

صادقی درباره واکسن ایرانی کرونا گفت: بدون شک هر واکسنی که جواب دهد را می‌زنم و اگر واکسن ایرانی عملکرد خوبی داشته باشد چرا سراغ نسخه خارجی بروم، ما متخصصان بزرگ و متبحری داریم که قطعا می‌توانند بهترین نمونه واکسن را تولید کنند./خبرآنلاین

آگهی مناقصه عمومی
شماره ۱۴۰۰/۰۰۱

ایران خودرو

شرکت ایران خودرو کرمانشاه
(سهامی خاص)

شرکت ایران خودرو کرمانشاه در نظر دارد انجام عملیات خدماتی، نظافتی و مهمانداری به همراه نگهداری فضای سبز شرکت را از طریق برگزاری مناقصه عمومی به اشخاص حقوقی واجد شرایط واگذار نماید. از کلیه متقاضیان دعوت می‌شود از تاریخ ۱۴۰۰/۰۱/۲۵ تا تاریخ ۱۴۰۰/۰۲/۰۲ پس از واریز مبلغ ۹۰۰/۰۰۰ ریال به شماره حساب ۲۸۰۱۸۳۴۴۰۲۰۰۲۷۱ نزد بانک اقتصاد نوین شعبه کرمانشاه در وجه شرکت ایران خودرو کرمانشاه با ارائه فیش واریزی و معرفی‌نامه معتبر جهت دریافت اسناد مناقصه به نشانی: کرمانشاه، کیلومتر ۸ جاده صحنه به سمت کرمانشاه، شهرک صنعتی صحنه (آب باریک) شرکت ایران خودرو کرمانشاه مراجعه و یا جهت کسب اطلاعات بیشتر با شماره تلفن ۰۹۱۸۸۸۷۰۱۷۴ آقای افشین بسیم تماس حاصل نمایند.

بدیهی است دریافت اسناد مناقصه و ارائه مدارک مربوطه، هیچگونه حقی برای متقاضیان ایجاد نخواهد کرد و مناقصه‌گزار در رد پیشنهادات مختار است.

ضمنا هزینه چاپ آگهی‌های مناقصه در سه نوبت به عهده برنده مناقصه می‌باشد.

«علی‌اصغر ایزدی» نویسنده‌ی ادبیات کودک و بزرگسال در گفت‌وگو با نقدحال:

وجود انجمن داستان‌خوانی و قصه‌گویی کودکان ضرورت دارد

سودابه زنگنه

علی‌اصغر ایزدی متولد دوم اردیبهشت یک‌هزار و سیصد و سی و دو در شهرستان سنقر است. ایزدی زندگینامه‌ی خود را این‌چنین شرح می‌دهد: «مادرم فاطمه و پدرم علی‌اکبر نام داشت و در کوچه حاج شرف‌پور محله پیره سوند سنقر سکونت داشتیم تا اینکه زمان کودکی گذشت. نخست به دبستان احمدیه رفتم و بعد به دبستان امجدیه و تا کلاس ششم ابتدایی آنجا بودم. دوره متوسطه را در رشته تجربی در دبیرستان پهلوی سنقر گذراندم، سپس دیپلم دانش‌سرا گرفتم.

پس از دیپلم چند سالی را در تهران، در بازار تهران کار کردم. در سال ۱۳۵۴ آموزش و پرورش سنقر آگهی استخدام معلم منتشر کرده بود، من هم در این استخدام نام‌نویسی کرده و شرکت نمودم و در آزمون با رتبه عالی قبول شدم و پس از دوره‌ای کوتاه با عنوان «آموزگار روستا» که به نظر من بهترین عنوان بود، به استخدام آموزش و پرورش درآمدم و به روستای «میدان» اعزام شدم.

در دوره‌ی ابتدایی و متوسطه به‌دلایل خاص فرهنگ خانوادگی، دانش‌آموزی درس‌خوان و بااخلاق بودم، نمرات درس‌هایم عالی بود و با شعر و ادبیات و هنر ارتباط فراوانی داشتم، دیوان اشعار شاعران بزرگ را می‌خواندم.

در دوره متوسطه از طریق «استاد یحیی ابراهیمی» با خط و نقاشی و از طریق «استاد رئیسی» که افسر سپاه‌دانش بود با ادبیات و از طریق «استاد یحیی حسین‌پور» با خواندن کتاب و نوشتن بیشتر آشنا شدم و بیش از پیش به هنر و کتاب روی آوردم و با داستان‌های صمد بهرنگی و داریوش عبادالله‌ی و قدسی قاضی‌نور در ادبیات کودکان و نوجوانان و رمان‌های روسی و فرانسوی آشنا شدم و تمام اوقات فراغتم را با آنها پر می‌کردم.

همین امر باعث شدکه علاقه شدیدی به نوشتن در من ایجاد شود و هر ازگاهی دست به قلم می‌شدم و مطلبی ادبی یا داستانی کوتاه یا داستانی برای کودکان می‌نوشتم. تا اینکه در سال ۱۳۴۹ اولین داستان کودکان خود را با تشویق «استاد رئیسی» به تهران برده و چاپ کردم؛ نام این کتاب «قله کوه قاف» بودکه مفهوم آن را از کتاب «منطق‌الطیر» عطار نیشابوری گرفته بودم.

این کتاب را اانتشارات حقیقت چاپ کرد و سال بعد نیز «قله کوه قاف ۲» را که بازی با کلمات بود نوشته و چاپ کردم و بعد «خروس بی‌محل» و «گل‌ها در کویر» را که به‌وسیله انتشارات الهام و حکمت در تهران به چاپ رسیدند و «خروس بی‌محل» یکی از کتاب‌های شاخص زمان خود شد و شاید بیش از یکصدهزار نسخه به چاپ رسیده است.

در ادامه‌ی کتاب‌های کودکان، در سال ۱۳۹۷، کتاب «بچه‌های دامنه زاگرس» را به چاپ رسانده‌ام و در کنار کتاب‌های کودک، کارهای پژوهشی زیادی درمورد بزرگان شعر و ادب منطقه، در مورد تاریخ و جغرافیای طبیعی، انسانی و اقتصادی و حتی نام سنقر و قدمت آن انجام داده‌ام و در این مورد تاکنون هشت جلد کتاب چاپ کرده‌ام از جمله:

۱. دیوان انتظام از محمدرضا قطب سنقری

۲. دیوان ملک حسین‌خان کلیایی- عارف قرن سیزدهم

۳. سنقرنامه‌ی احمدمیرزا یمن‌الدوله

۴. سفرنامه‌ی عتبات عالیات میرزا علی‌حسین سنقری و... را تصحیح و چاپ کرده‌ام.

کتاب‌های دیگری را نیز در دست دارم که برخی از آنها به مرحله تایپ و برخی در ویراستاری هستند از جمله:

۱. دیوان ملاپریشان دینوری که قدیمی‌ترین نسخه خطی این دیوان است و مقدمه مفصلی نیز در مورد نهضت حروفیه بر آن نوشته و از کردی به فارسی هم ترجمه کرده‌ام.

۲. باغ سیب ۴۹۱ که شرح حال و آثار بیش از سیصد نفر از شاعران، نویسندگان، هنرمندان و نخبگان شهرستان سنقر است.

۳. شاهنامه فردوسی برای نوجوانان به نظم و نثر در سه جلد.

۴. سنقرنامه نوین که پژوهش مفصلی در مورد سنقر و طوایف و خانواده‌های مختلف کوچنده‌ای که در این منطقه زندگی می‌کنند.

لازم به ذکر است که اولین کتاب بازی که برای کودکان دبستانی نوشتم در سال ۱۳۵۴ بود که آموزگار شده و به روستا رفته بودم و پس از نوشتن به مرحله عمل درآوردم و نواقص آن را برطرف نمودم. نام این بازی را «کُشتم ، بریدم» نهادم و در بهار سال بعد چاپ کردم. این بازی می‌تواند یکی از بازی‌های عشایری ایران شود.

آخر نوشته‌ی من در مورد ادبیات کودکان، نوشته‌ای اعتراض‌آمیز بود که به برنامه‌ی «همرفیق» آقای شهاب حسینی داشتم. برنامه‌ای که در آن، مهمان آقای حسینی بازی «اتل متل توتوله یا دوتوله» را به تمسخر گرفته بود؛ و نمی‌دانست که این بازی یکی از ارزشمندترین بازی‌های «هیچانه» فولکلوریک کودکان ایران است.

به هرحال اینجانب هم‌اکنون عضو رسمی شورای کتاب کودک و عضو رسمی نویسندگان کتاب کودک و نوجوان(نویسک) هستم و سعی می‌کنم قلمی که می‌زنم و متنی که می‌نویسم در جهت اعتلای فکر کودکان میهنم باشد.»

روزنامه نقدحال با این نویسنده مصاحبه‌ای انجام داده است که آن را می‌خوانید:

چه چیزی ادبیات کودکان و نوجوانان را از ادبیات بزرگسالان جدا می‌کند؟ و چرا بیشتر نویسندگان بزرگ در این حوزه فعالیت چندانی نداشته‌اند؟

ادبیات کودکان و نوجوانان با ادبیات بزرگسالان تفاوت زیادی دارد. ذهن کودک و نوجوان مثل یک صفحه‌ی کاغذ کاملا سفید است. باید مطالبی که می‌خواهی روی آن بنویسی؛ اولا برای کودک قابل درک باشد و واژه‌های آن را بشناسد و آنها را درک کند. دوم اینکه آن مطلب، دنیای کودکانه او را آشفته نسازد و هیجاناتی که برای او ایجاد می‌شود، همه در محدوده صداقت‌های کودکانه او باشد. به همین خاطر است که برای سنین مختلف کودک، حتی انتخاب واژگان، تعداد کلمات و جمله‌ها و حجم کتاب، در حد قابل‌قبول در حد ظرفیت ذهنی کودک باشد. اما بزرگسال این‌گونه نیست و توانایی‌های ذهنی و پیچیدگی‌های درکی او بالا رفته و قدرت تجزیه و تحلیل دارد به همین خاطر تفاوت فراوانی با نوشته‌های کودکان دارد. اما اینکه چرا بسیاری از نویسندگان بزرگسال و رمان‌نویس در این حوزه فعالیت ندارند؛ بستگی به علاقه و دنیای فکری و ذهنی نویسنده دارد که در چه حوزه‌ای فعالیت کند. نویسندگان بزرگی هم مثل «هانس کریستن اندرسن» فقط در حوزه کودکان کار کرده است و هم‌اکنون در ایران نویسندگان بزرگی هستند که فقط در حوزه کودک و نوجوان کار می‌کنند و اگر اشتباه نکنم امروزه انجمن نویسندگان کودک و نوجوان (نویسک) بیش از ۴۰۰ نویسنده و شاعر کودک عضو دارد. و این رقم کمی نیست و بسیاری از آنها جوایز جهانی کسب کرده‌اند.

رفتن به دانش‌سرا و آموزگار روستا شدن جزء علایق شما بود یا شرایط باعث شد که شما جذب شغل معلمی و تدریس شوید؟ آیا فضای تدریس در روستا با تدریس در شهر متفاوت است؟

دیپلم دانش‌سرا را به‌صورت داوطلب آزاد، نام‌نویسی و امتحان دادم. اما آموزگارشدنم کاملا بر اثر علاقه بود. قبل از اینکه به استخدام آموزش و پرورش درآیم؛ کلاس‌های قصه‌گویی و قصه‌نویسی در سنقر داشتم و قبل از اینکه آموزگار شوم چندین قصه نوشته بودم. داستان «قله کوه قاف» را وقتی کلاس یازدهم متوسطه را می‌خواندم؛ نوشته و چاپ کردم. اما آموزگارشدن کمک زیادی به من کرد که توانایی‌های ذهنی و فکری خود را به کار بگیرم و تجربیات فراوانی را بیاموزم. همین علاقه به تدریس و کلاس است که هنوز پاهای مرا به سوی مراکز آموزشی هدایت می‌کند و نمی‌گذارد بازنشسته شوم. البته فضای تدریس در روستا و شهر، به‌خصوص شهرهای بزرگ تفاوت فراوان دارد و کسانی که خودشان در این فضا به‌صورت عملی کار نکرده باشند، نمی‌توانند بفهمند که چه تفاوت فاحشی وجود دارد. و بنده که سال‌ها در دوره ابتدایی و راهنمایی و متوسطه تدریس داشته‌ام، تجربیات شناخت این رده‌های سنی را در شهر و روستا به‌خوبی می‌شناسم. هم‌اکنون چهل و پنج سال است که در این کلاس‌ها تدریس می‌کنم و سعی می‌کنم خودم را به روز کنم و دنیای جدید جوانان را بشناسم که بحمدالله موفق بوده‌ام زیرا دنیای جوانان امروز با جوانان بیست سال پیش زاویه‌ای ۱۸۰ درجه‌ای دارد تا چه رسد به سال‌های قبل.

شما کتاب‌های فاخری از شخصیت‌های بزرگ شهرستان سنقروکلیایی که زادگاهتان است به چاپ رسانده‌اید هدف اصلی از چاپ این آثار چه بوده است؟ و نحوه جمع‌آوری این آثار و همچنین در مورد سنقر و تاریخچه آن در صورت امکان شرح دهید؟

هدف مشخص است و آن معرفی این بزرگان به نسل امروز است، که گذشته و بزرگان آن را نمی‌شناسد همچنین آثار برخی از این بزرگان، سرقت ادبی شده بود و به نام دیگران چاپ می‌شد و من به حکم وظیفه فرهنگی آنها را چاپ کردم تا سرقت نشوند. اما نحوه جمع‌آوری آن آثار، جستجو و جمع‌آوری آثار خطی آنها بود همراه پژوهش‌های میدانی که در منطقه انجام گرفت و نسخه‌های متعددی را از بعضی از این آثار با خط خوشنویسان معروف، پیدا کردم و مقایسه نمودم و تصحیح و چاپ کردم.

اما در مورد سنقر نیز باید بگویم؛ اگرچه ترکان سلجوقی و دیگران که مدتی بر ایران حکومت داشته‌اند، واژه‌ی سنقر را برای نام فرزندان خود به‌کار برده‌اند اما واژه سنقر اصلا ترکی نیست که در ادامه آن را توضیح خواهم داد.

قبل از هرچیز باید بگویم که سنقر، یکی از مراکز فرهنگی، اقتصادی، سیاسی و اجتماعی در سطح کشور بوده‌ست که هریک از این‌ها تاریخچه‌ی مفصل و مکتوب دارد. من فقط جنبه‌های فرهنگی آن را بیان می‌کنم. از جمله این که در سنقر از سال ۱۳۰۶ یعنی ۹۳ سال پیش، مجله‌ای بین‌المللی به نام «دعوت اسلامی» منتشر می‌شده که در کشورهای عراق، ترکیه، هند، پاکستان، سوریه، لبنان و... توزیع می شده است. در سال ۱۳۰۸ اولین روزنامه اجتماعی سیاسی با نام «فریاد ایران» در این شهر نوشته و چاپ می‌شده و در تهران نشر می‌یافته است. در سال ۱۳۲۹ هفته‌نامه دیگری به نام «شهاب ثاقب» و روزنامه‌ای با نام «باختریان» در این شهر نشر می‌یافته و در سطح استان و کشور توزیع می‌شده‌اند. در این شهر علمای بزرگی زندگی می‌کرده‌اند که هرکدام آنها منشا خدمات ارزنده فرهنگی بوده و ده‌ها اثر از خود به‌جای گذاشته‌اند. در سال‌های ۱۳۵۵ و ۱۳۵۶، در سنقر، انتشارات هجرت و انتشارات کودک و نوجوان فعالیت داشتند و کتاب‌های متعددی از نویسندگان استان را چاپ و نشر نمودند.

در توضیح نام سنقر نیز، آن را از دو جهت می‌توان مورد بررسی قرار داد. اول اینکه آثار و ابنیه به‌جا مانده از گذشتگان که قدیمی‌ترین آن «بقعه مالک» است. با توجه به آثار به‌جامانده از سلجوقیان در شهرهای تویسرکان و اراک و پژوهش‌های محققانی همچون مهندس ملکان، این اثر مربوط به این دوره است. اما نمی‌توان گفت که چون این اثر از زمان سلجوقیان ساخته شده پس شهر سنقر را نیز از این زمان ساخته‌اند؛ بلکه جنبه دومی که من به آن اعتقاد دارم. بررسی واژه سنقر از دیدگاه زبان‌شناسی است که قدمت و تاریخ بنای سنقر را به دوره باستان و زمان مادها می‌رساند. مجبورم برای این کار به چند مورد واژه‌شناسی و تغییر و تحولات واژگانی در دوره‌های مختلف زبان اشاره کنم.

واژگانی که با گرفتن یک پیشوند، معنای منفی یافته‌اند مانند «رش، کندن یا اشوان، آنوش و...» که به آرش- آکندن، شوان- نوش تبدیل شده‌اند.

واژگانی که واج‌های آنها به واج دیگر تغییر یافته است و شکل نوشتاری واژه کاملا دگرگون شده است. مثلا واج‌های «ور» به «گ» و واج «د» به «ل» و واج «ک» به «ق» تبدیل شده‌اند. مانند وَرگ که به گرگ تبدیل شد. یا وَرد که به گل تبدیل شده است.

واژگانی که پسوندهای یکسان دارند. اما آن پسوندها در واژگان مختلف، معانی خاص خود را دارد مانند «ان» که معانی زمان، مکان، نسبت، شباهت و... به خود می‌گیرد. پسوندهای مکانی که به شکل‌های گوناگونی در زبان فارسی وجود داشته و دارند مانند: ستان، سین، سُن، و ه و...

با توجه به این موارد وقتی که واژه سنقر را در کتب تاریخی مورد بررسی قرار می‌دهیم، می‌بینیم که این واژه را به شکل‌های مختلف، از جمله «سینکَر، سُنکَر، سینگور، سنغور و سنقر» نوشته‌اند. به‌نظر من از میان این واژه‌ها، واژه‌های «سینکر و سنکر» به بحث ما نزدیک‌تر است زیرا «سین» به معنی سرزمین و «کُر» معنی قوم «کُر» است و سینکر یعنی سرزمین قوم کُر اما قوم «کسر» کیست؟ در زمان ماد و پیش از آن، دو قوم در منطقه غرب ایران می‌زیسته‌اند، ۱. گوتی‌ها یا یاکوتی‌ها ۲. کاسی‌ها (که در تمام کتب تاریخی از آنها یاد شده است.)

این واژه‌ها به مرور زمان، قوم کاسی‌ها به «کُرها» و قوم گوتی‌ها یا کوتی‌ها به «کُرها» تغییر شکل یافته‌اند. و بعدها «کُر» نیز به «قر» و سینکُر به سنقر تبدیل شده است.

از طرف دیگر منطقه فیله کُری نیز فهله کری بوده و فهله به معنی تپه ماهور و دشت است به‌معنی «دشت‌های قوم کُر» کلیایی نیز «کُریایی» که با معانی «سرزمین کُرها» و «سرزمین یکتاپرستان» یا مهرپرستان بوده است.

دلیل دیگر برای منطقه کلیایی، وجود طایفه بزرگ «بیگوند» یا «بگه وند» است. زیرا «بَگه» در اصل «بغه» بوده به معنی خدایا اهورمزدا و بَگهٔ وند به‌معنی اهورمزداپرست است. از این نمونه واژه «بغدادشاه» نیز وجود دارد: بغ + دات+ شاه به معنی سرزمین شاه مقدس یا سرزمین پادشاه خداپرست همچنین نام‌های اصیل روستاهای دیگر ازجمله: آران له، یاژن له، باوله، گُله‌وبج، وبچه یا ویژه، یوسفجرد، سرسگاز، ملهماس و... همگی از واژه‌های باستانی هستند که برخی از آنها نیز در کتب مرحوم مردوخ کردستانی، مهندس ملکان، مهندس پناهی‌راد و دکتر بهمن کریمی نیز به آنها اشاره شده است.

چاپ کتاب در زمینه فرهنگ و رسوم یک منطقه، از جمله کتاب بازی‌های محلی یعنی کتاب «کشتم، بریدم» در راستای چه اهدافی نگاشته شده است و چاپ این دست کتاب‌ها چه تاثیری می‌تواند بر افکار عموم مردم به‌خصوص قشر کودک و نوجوان داشته باشد؟

اول اینکه شناخت زمینه‌های فرهنگی و آداب و رسوم و بازی‌های بومی هر منطقه، به خودی خود بسیار ارزنده است زیرا از فرهنگ آن جامعه نشأت گرفته است. دوم اینکه زمینه‌های جامعه‌شناسی دارد و از آنها می‌توان به افکار و اندیشه و بسیاری از مسایل اجتماعی و فرهنگی آن جامعه پی برد. مقاله‌ای در سال‌های آخر دهه پنجاه با عنوان «نقش کار و بازی در تعلیم و تربیت کودکان» نوشته‌ام و در آن‌جا به بررسی نقش بازی‌ها در جنبه‌های مختلف جسمی و روانی و آثار مثبت آنها اشاره کرده‌ام.

در هر بازی معمولا جنبه‌های مختلف تقویت عضلانی، تقویت اندیشه، به‌دست آوردن تجربه شکست و پیروزی، تخلیه هیجانات درونی و... در نظر گرفته می‌شود و من کتاب «کشتم بریدم» را در همین راستا نوشته‌ام که البته در چاپ جدید به دلایل فرهنگی نام آن را به «بریدم و دویدم» تغییر دادم.

انتقادی داشتید به برنامه «همرفیق» شهاب حسینی می‌توانید بیشتر در این رابطه صحبت کنید؟

به برنامه «همرفیق» انتقاد نداشتم. بلکه به یکی از مهمانان ایشان که از هنرمندان بودند و شعر و بازی قدیمی و کودکانه «اتل متل توتوله» را به تمسخر گرفت؛ انتقاد کردم. ایشان فقط می‌خواست به هر روش ممکن دیگران را بخندانند. اما نمی‌دانست که این شعر که امروزه به این‌گونه اشعار «هیچانه» می‌گویند و تاثیر فراوانی در تعلیم و تربیت کودک دارد، درواقع فرهنگ خود را به تمسخر گرفته بود.

البته چون خودش نمی‌فهمید خیال می‌کرد که این اشعار ارزشی ندارد و پرت و پلاگویی است. مثلا می‌گفت: اصلا اتل متل یعنی چه؟ گاو حسن چه‌جوره، چه معنی داره، خوب گاو دیگه چرا شیر و پستان نداره؟ چرا آن را به هندوستان برده‌اند؟ هندوستان کجا، کردستان کجا؟ و از این‌گونه مطالب.

اولا ایشان نمی‌دانست که «چون سروکار تو با کودک فتاد- پس زبان کودکی باید گشاد» و نمی‌دانست که منظومه‌های آهنگین همه بر معیار شناختی است که مردمان گذشته در مورد روح و روان کودکان داشته‌اند و همه لالایی‌ها نیز از همین گونه‌اند. در اشعار «هیچانه» آهنگ بر تفکر غالب است و کودکان صداهای آهنگین، موزون و موسیقایی را دوست دارند و با آنها آرامش می‌یابند. دوم اینکه در این بازی کودکانه، امروزه بحث‌های فرهنگی زیادی می‌شود. بعضی آن‌ها را ماه و ستاره می‌دانند، برخی‌ها نام خلاصه‌شده دو کودک. که گرداننده بازی از آنها می‌پرسد که گاوحسن چه نوع گاوی است یعنی جنسیت او چیست؟ سپس راهنمایی می‌کند که نه شیر داره نه پستان یعنی گاو نر است، زیرا شیر و پستان ندارد درحالی‌که آقای بازیگر مهمان با تمسخر می‌گفت اگر شیر و پستان ندارد به چه دردی می‌خورد؟ و حتی نمی‌دانست که در فرهنگ بومی همه مناطق ایران برای جنس ماده حیوانات اهلی مثل بز و گاو و گوسفند و اسب واژه خاص مثل «ماده گاو» یا «مادیان» و... به‌کار می‌برند. سپس اعتراض می‌کرد که اگر او را به هندوستان برده‌اند چه ربطی به کردستان و واژه ترکی عم قزی دارد؟ ایشان نمی‌دانستند که هندوستانی که در این شعر هیچانه هست، هیچ ربطی به هندوستان کنونی ندارد، همان‌گونه که کشور چین که در شاهنامه آمده، هیچ ربطی به کشور چین کنونی ندارد. در گذشته‌های دور به سرزمین وسیعی که از سرپل‌ذهاب کنونی تا جنوب شهر قصرشیرین ادامه داشت «هند» یا «اندیا» یا «هندوستان» گفته می‌شده پس هند و کردستان و عم قزی ترکی با هم همسایه هستند و شعر کاملا به‌جا و درست است. ای‌کاش کسانی که در زمینه‌های خاصی تخصص دارند فقط در آن مورد خاص سخن بگویند. تا این‌گونه به مسایل فرهنگی خود توهین نکنند.

در مورد نقش خانواده و متعاقب آن نقش جامعه با باروری فکر و اندیشه کودکان و نوجوانان و باروری استعدادهای نهفته نسل آینده می‌توانید بیشتر توضیح دهید؟

باید بگویم که اصلی‌ترین مرحله برای نسل‌های آینده، تربیت درست کودکان است و خانواده اصلی‌ترین نقش را در این مورد به عهده دارد و پس از آن نظام‌آموزی و اگر نظام خانواده و نظام آموزش درست و هماهنگ عمل نکنند، گرفتاری‌های متعددی گریبان‌گیر جامعه آینده خواهد شد. البته منظور من از نظام آموزشی فقط آموزش و پرورش نیست. بلکه امروزه همه رسانه‌ها نیز جزء نظام آموزشی هستند.

ما اگر آینده‌ای امن‌تر، سالم‌تر، آبادتر و از نظر اقتصاد پویاتر و از نظر مسایل اجتماعی و سیاسی پاک‌تری می‌خواهیم باید در تعلیم و تربیت درست کودکان اهتمام بورزیم و همه‌چیز را در خانواده‌ها و کودکستان‌ها و دبستان‌ها به درستی آغاز کنیم، نه در دبیرستان و دانشگاه و اگر چنین نکنیم فردا خیلی دیر است.

و اما حرف پایانی برای این هم‌صحبتی و راهنمایی‌ها و توصیه‌هایی در زمینه ادبیات کودکان و نوجوانان یا هر موضوع دیگر؟

در حرف پایانی ابتدا باید از مسوولین و دست‌اندرکاران روزنامه «نقدحال» صمیمانه سپاسگزاری کنم که این فرصت را در اختیار من قرار دادند. دوم اینکه من وجود انجمن‌ها و تشکل‌های مردمی کودکان را برای جامعه فرهنگی استان کرمانشاه ضروری می‌دانم به‌خصوص انجمن‌هایی برای داستان‌خوانی و قصه‌گویی برای کودکان که امیدوارم اهالی فرهنگ، در این زمینه اقدام کنند، زیرا همین انجمن‌های کوچک مردمی هستند که می‌توانند داستان‌نویسان بزرگی را برای کشور، تربیت کنند.

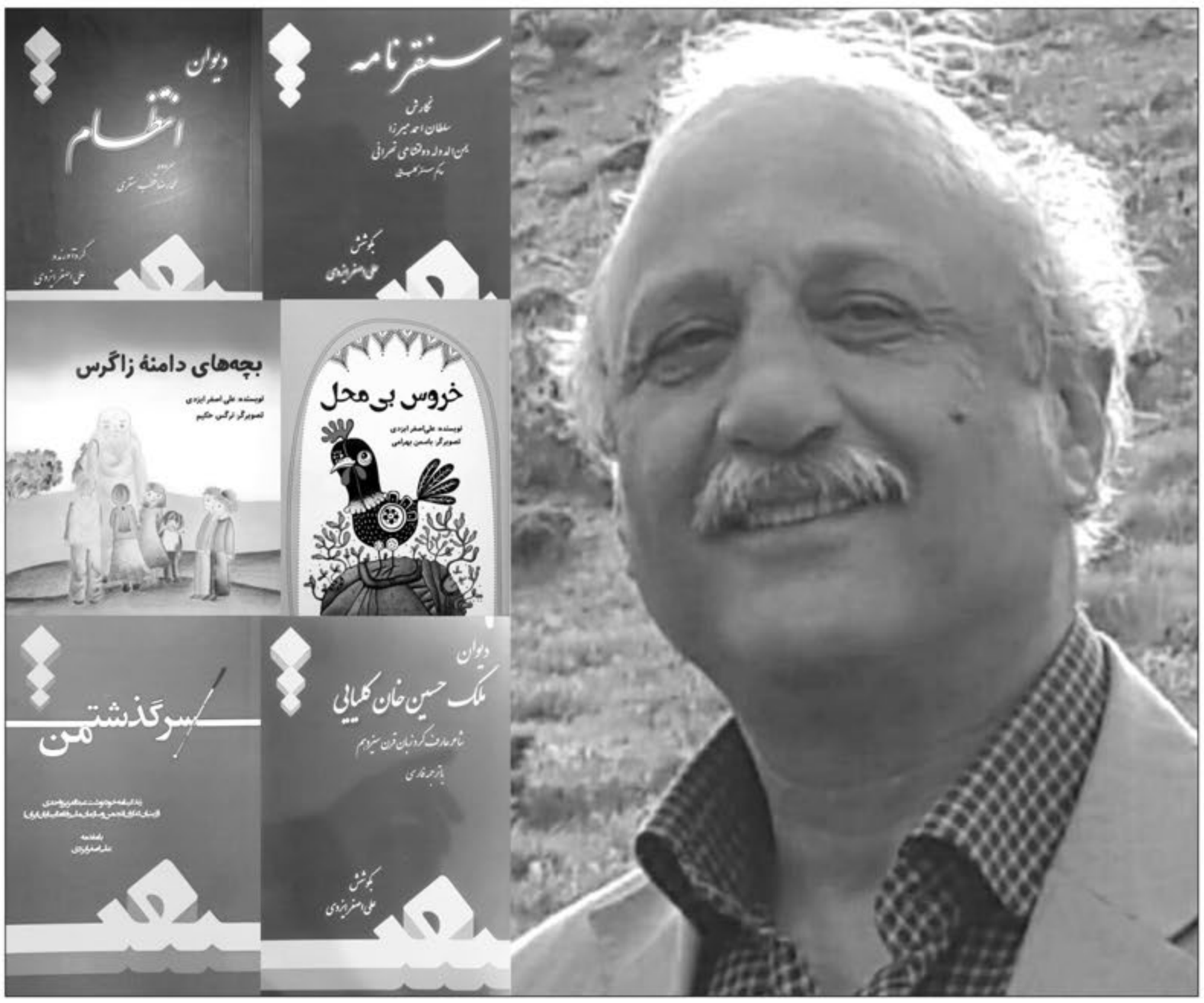

روزنامه سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، ورزشی
صاحب امتیاز و مدیرمسوول: غلامرضا نوری‌علا
سردبیر: ثریا صفری
نشانی دفتر مرکزی: کرمانشاه، مصوری، روبروی مخابرات‌پلاک ۱۵۹
تلفن: ۳۷۲۷۵۹۰۸- ۰۸۳
فکس: ۳۷۲۹۱۸۶۰-۰۸۳
چاپ: پیام رسانه شمارگان: ۱۰/۰۰۰

بشنوید ای دوستان این داستان خود حدیث نقدحال ماست آن

روزنامه نقدحال

مدیر سازمان آگهی‌ها: آرزو حیدری
طراح و صفحه‌آرا: لیلا صفری، سهیلا احمدی
دبیر سرویس ورزش: رسول صفری
دبیر سرویس سیاسی: مهدی حیدرپور
دبیر سرویس اجتماعی: نسرین کرمی
دبیر سرویس کاریکاتور و طنز: محمدرسول گودینی

@Naghdehall Naghdehal_newspaper

سال هفدهم شماره ۸۵۳ سه‌شنبه ۲۴ فروردین ۱۴۰۰

لوح دل

حرف دل

وقتی کسی را دور انداختیم دیگر نباید سعی کنیم اشتباهاتش را تشریح کنیم و وقتی دنبال چراهای اشتباهات او می‌رویم که هنوز او را کاملا دور نینداخته باشیم...!

اوریانا فالاچی

بیت دل

با خاطره‌های تو که سرسبزیِ محضی
هر روز برای منِ دیوانه، بهار است...!

امید صباغ نو

شماره‌ی اختصاصی تلگرام پپو

۰۹۳۶۱۶۲۰۷۰۰

کافه پپو

سلام بر همراهان گرامی کافه‌پپو! ما برای انتقال پیام‌های شما از نام پروفایل‌تان استفاده می‌کنیم و برخی هم چون شماره‌ی پپو را در گوشی خود ذخیره کرده‌اند شماره را با حذف سه شماره‌ی میانی چاپ می‌کنیم! از این که همواره همراه و یار پپو بوده‌اید بی‌نهایت سپاس‌گزاریم و امیدواریم بتوانیم از این دریچه برخی از مشکلات و درددل‌ها را به گوش مسوولین برسانیم. پپو همراه شماست!

قنبری: ما آمده‌ایم در این دنیا که زندگی کنیم. خیلی از ما ۳۰ یا ۴۰ سال از عمرمان را نابود می‌کنیم به این بهانه که می‌خواهیم آینده‌ی بهتری داشته باشیم. آینده کی یا کجاست؟ کی به آرامش می‌رسم؟ مگر در آینده من می‌توانم در یک روز به جای یک ناهار دو تا ناهار بخورم؟ یا به جای یک لباس، سه تا لباس روی هم بپوشم؟ تا کی و کجا حال را، برای آینده بهتر خراب کنم؟! به اندازه برای آینده نگران باشیم و تلاش کنیم. زندگی مقصد نیست. زندگی یک راه است. زندگی یک جاده است که باید تا آخرِ عمر در این جاده پیش برویم تا زمانی که حذف شویم. ما به این دنیا نیامده‌ایم که تمام عمرمان را برای آینده درس بخوانیم و کار یا پس‌انداز کنیم. ما به این دنیا نیامده‌ایم که مانند ماشین فقط به‌دنبال آینده باشیم. از زندگی باید لذت برد. «اکنون» هدیه‌ای در دستان ما است. آن را قدر بدانیم و این اندیشه را به فرزندانمان انتقال دهیم.

پپو سلام قنبری جان! والا پیام پر و پیمانی بود و بنده دیه حرفی پری گفتن نَرَم الا این که به مخاطبای خوب کافه‌پپو توصیه کنم ئی پیام پر محتوا رِ بخوانن. دمت گرم رفیق!

محسن محبی: با سلام و خسته نباشید به بزرگوران تلاشگر روزنامه وزین نقدحال. در شماره‌ی قبلی برادر گرامی جناب رسول صفری بسی رنج کشیده بودند برای مصاحبه با مدیر گروه صنعتی شکری، یاد بیتی از فردوسی شاعر نامدار افتادم که زبانزد همگان هم هست: بسی رنج بردم در این سال سی/ عجم زنده کردم بدین پارسی. مصداق سختی‌های شما بزرگوار رسول صفری برای مصاحبه با مدیرانی لایق و خدمتگزار همچون خانواده شکری: جهانبخش و جهان‌بین و جهاندار. بنده از این خانواده خدماتی شنیده و دیده‌ام که انگشت‌شماری از افراد چنین هستند که حرف‌شان با عمل‌شان یکی باشد و بنا به گفته‌ی مدیر گروه آقای جهانبخش شکری همه امانت‌دار هستیم. کمتر کسی پیدا می‌شود که متمول باشد و سخاوتمند، کار هر کسی نیست داشته باشد و ببخشد، بعضی‌ها مثل درختان تنومندی هستند که هرچه ریشه‌های‌شان بیشتر می‌شود دو دستی که چه عرض کنم چهاردست و پا به‌دنیا و خودشان می‌چسبند ولاغیر، خواستم بگویم رنج‌های شما برادر بزرگوار رسول صفری در معرفی خوبان بی‌ثمر نبوده و فرصتی پیش آمده برای قدردانی اندکی از سخاوتمندی و ماندگاری خانواده شُکری و شُکری‌ها. لازم است یک دوبیتی در توانم تقدیم این خانواده‌ی خدمتگزار کرده باشم تا سهمی از این سفره برکت برده باشم:(کسانی در خفا درحال جودند/ طریق معرفت از ما ربودند/ نه حورند و فرشته، بلکه انسان/ چو مولایم علی کانون سودند.)

پپو درود بر شما جناب محبی که راه و رسم مهربانی و جوانمردی را بلدید. سپاس از شعر زیبای‌تان.

سهیلا: سلام خداقوت. واقعا به شهرداری خسته نباشید میگم بابت این زیباسازی شهر و مزین ساختن شهرمان به انواع گل‌های طبیعی، مصنوعی، آپارتمانی، نهال، درخت و غیره، فقط می‌خوام بگم این دفعه که خواستن ظاهر شهر رو زیبا جلوه بدن، از گل‌های مصنوعی و ابزارها و تکنیک‌هایی استفاده کنند که به راحتی حمل نشه و به سرقت بره، مثلا همین کیوسک‌های تلفنی اول عید داخلش پر از گل مصنوعی بود اما حالا خالی شده، آدم با دیدن این صحنه‌ها فقط متاسف میشه برای فرهنگ غلط بعضی شهروندها. با تشکر از طرف یک شهروند دلسوز.

پپو سلام سهیلا جان گرامی! شهروند دلسوز. ما تا زمانی که یاد نگیریم شهر ما خانه‌ی ما است، هر چیزی برامان بذارن خرابش مُکُنیم.

سحر احمدی: سلام. پپو خدایش دلم واسه بچه‌های امروزی می‌سوزه الان یکساله که کرونا آمده و مدارس کلا تعطیل شده، مخصوصا کلاس اولی‌ها که رنگ مدرسه رو به چشم ندیدن و از خیلی لذت‌ها و شیطنت‌های دوران مدرسه محروم شدن، نگاه که می‌کنی مدام سرشون تو گوشی و بازی‌های آنلاینه، خدایش اینا قراره چی بشن در آینده، چه آینده‌ای در انتظارشونه! خوب که فکر می‌کنم با وجود تمام گرفتاری‌های زندگیم خدارو شاکرم که نه ازدواج کردم نه بچه‌ای دارم، بچه امروزی رو تربیت کردن واقعا هنر می‌خواد، خدا به همه پدر مادرها کمک کنه.

پپو سلام سحر جان! خدا به داد والدین امروزی با ئی شبکه‌ی شاد برسه. کلا سر ازشان شیویده.

سمیرا محمدی: دوباره وضعیت کرونا قرمزتر از قبل شد، سال ۹۹ هم بعد از تعطیلات همین اوضاع رو داشتیم، به عده خودخواه و خوش‌گذران سفر رفتن و همه‌جا رو آلوده کردن، ما موندیم و کرونا و صف مرغ، امسال هم که با بی‌تدبیری مسوولین و بی‌فکری مردم اوضاع بدتر از قبل شد. یکی نیست به این مردم بگه آخه دل به چی خوش کردین اکثر کشورها واسه مردمشون دارن واکسن می‌زنن، کشور ما هم تازه می‌خواد امکانی رو تاسیس کنه برای ساخت واکسن ایرانی. آهای مردم سرعقل بیاید و حداقل ماسک بزنید و رعایت کنید کسی جز ما به خودمون رحم نمی‌کنه.

پپو سلام سمیرا جان! خدا شاهده با ئی میزان ناراحتی مه نگران سلامتی خودتم. هر چه با ئی مردم با هر زبانی حرف بزنی کار خودشانه مُکُنن. می‌دانم حق دارن ولی ئی راهش نیس. اول باید آ شر ئی ویروس منحوس خلاص بشیم بعد با ئی مسوولای بی‌لیاقت برخورد بکنیم.

کرونا، قرنطینه و دیگر هیچ!

سحر صفری

موج‌سواری با کرونا

به نقشه‌ی رنگ‌آمیزی مردم شریف که نگاه کردم دیدم مردم با چه همتی یک سطل رنگ قرمز در دست داشته و تمام شهرها را رنگ‌آمیزی کرده‌اند خدا قوت قهرمانان. چقدر گفتم نروید مسافرت خانه بمانید بفرما این هم نتیجه‌اش وضع را از هرچه که بود بدترش کردید. در این طیف عظیم رنگ‌پاشی‌ها متوجه قرمز شدن وضعیت کوبر لوت شدم که صادقانه بگویم چیزی نمانده بود شاخ دربیاورم خدای من یعنی شما حتی به کوبر هم رحم نکردید آنجا فقط عقرب و مار و از این چیزها زندگی می‌کرد یعنی آن بیچاره‌ها را هم‌کرونایی کردید؟ همین است دیگر ما وقتی به خودمان رحم نمی‌کنیم می‌خواهید کرونا رحمش بیاید و برود. بچه که بودم خیلی موج‌سواری را دوست داشتم اما در این یک سال با وجود کرونا آن‌قدر موج‌سواری کرده‌ام که دیگر جائی برای‌مان نمانده حالا هربار هم موج سهمگین‌تری در انتظارمان است. نمی‌دانم به‌خاطر وضعیت پیش‌آمده کرونا را مقصر بدانم یا مردم و یا مسوولین که الان می‌گویند خواستیم عید مردم را خانه‌نشین کنیم اما بعضی‌ها نگذاشتند خب مسوول عزیز به ما هم بگو تا بدانیم چه بزرگواری مانع این امر شد لابد عوارضی بگیرها راه را باز گذاشتند تا حساب‌شان پر شود یا مناطق تفریحی! ما به ذهن‌مان نمی‌رسد شما بگویید. مسوول گرامی ما هم بارها در روزنامه نقدحال از استاندار گرامی خواستیم تا اعلام کند مردم به کرمانشاه سفر نکنند اما متاسفانه به گوششان نرسید و امروز شاهد بد شدن اوضاع هستیم. در بین مسوولان یک نقطه مشترک وجود دارد آن هم منفعت‌طلبی برای خودشان است. مردم هم که هرچه می‌گویی انگار قصد خودکشی دارند و اصلا گوش‌شان بدهکار حرف‌های خیرخواهانه‌ی ما نیست و هی می‌خواهند همه جا را قرمز کنند که خدارا شکر هم موفق بودند. شیرمادرتان! برای ۱۰ روز هم که شده دندان روی جگر بگذارید و در قرنطینه بمانید. مشکل اینجاست الان افرادی شروع به مسافرت می‌کنند که عید در خانه مانده‌اند از تک‌تک شما عاجزانه درخواست می‌کنم در خانه بمانید بعد از قرمز، سیاه می‌شویم.

قندداغ

ناصر مدللی

داستان من و پراید سفیدرنگ

در اواسط سال ۱۳۹۹ مطلبی تحت عنوان کشف حجاب در پراید سفیدرنگ به چاپ رسید. خلاصه داستان از این قرار بود که به دفعات از طریق پلیس راهور جرایمی مبنی بر اینکه پراید سفیدرنگ اینجانب در نقاط مختلف مرتکب خلاف شده به‌صورت پیامک برایم ارسال می‌شد. از آنجایی‌که من تاکنون پراید سفید نداشته و رانندگی نمی‌کنم همواره پیام‌ها را نادیده می‌گرفتم تا اینکه یک‌بار به‌عنوان کشف حجاب در اتومبیل (گویا بی‌روسری بوده‌ام) پیامی را دریافت نمودم و این‌بار به مردانگی و رگ غیرتم برخورد و جوابیه‌ی مورد اشاره را نوشتم.

خوشبختانه بعد از یکی دو پیام دیگر به‌طور کلی پیامی را دریافت نمودم و قضیه به فراموشی سپرده شد و تمام مشکلات زندگی‌ام حل گردید. تا اینکه روز پنجشنبه ۹۹/۱۲/۲۸ همسرم گفت امروز عصر جمعه آخر سال است و اموات‌مان منتظر هستند لباس‌هایت را بپوش، به باغ فردوس برویم و با آنها دیداری داشته باشم. گفتم: خانم در این اوضاع کرونایی صحیح نیست به اماکن عمومی برویم و ورود به آنجا را قدغن کرده‌اند حتی دید و بازدید نوروزی تحریم شده است ما باید از هر تجمعی پرهیز داشته باشیم و اگر دلت برای مرده‌های‌مان تنگ شده است از دور برای آنها سلام و فاتحه‌ای بفرست حتما به دست‌شان می‌رسد. عیال بسیار ناراحت شد و با ترشرویی گفت: حرمت اموات را نگهدار. مردم عید دارند و ما هم عید داریم و شروع به غرغر و ایراد و گوشه و کنایه نمود در این اثنا گوشی موبایلم به صدا درآمد و پیامکی را دریافت نمودم. آن را خواندم و دانستم دوست دیرینه‌ام یعنی پراید سفید بیدار شده و شروع به فعالیت نموده و دست گلی به آب داده است. پیام از این قرار بود. به تاریخ ۱۳۹۹/۱۲/۲۸ ساعت ۱۵/۵۰ دقیقه مالک محترم وسیله نقلیه شماره پلاک ۱۹-ط-..... محل تخلف ایلام محور هلیلان. نوع تخلف تجاوز از سرعت مجاز مبلغ ۳۰۶۰۰۰ ریال

خانم که سکوت مرا دیده بود گفت چه خبر شده؟

گفتم مثل اینکه پلیس راهور و پراید سفید دست‌بردار نیستند و مجددا خلاف‌ها شروع شد. عیال گفت: خیر این دعاهای من و مرده‌ها بود که دامن‌گیر شد و جریمه شدی من ادامه ندادم و مساله را پشت گوش انداختم چون من که پراید سفیدرنگ ندارم و جریمه مربوط به کس دیگری است. سال تازه شد و عیال برای روز اول عید به خاطر شادی روح یکی از اقوام به نام عمه شیرین که به تازگی فوت کرده و پسرانش به‌عنوان نذری گوسفندی را ذبح نموده و مقداری گوشت نذری را به ما داده بودند آبگوشت بار گذاشته بود. من و بچه‌ها برای چندمین بار مشغول تماشای یک فیلم سینمایی چینی شدیم. فیلم سراسر چاخان بود و مردم غیر از جنگ و دعوا کاری نداشتند و به‌جای راه رفتن پرواز می‌کردند. در پایان فیلم متوجه شدم مقدار زیادی تخمه‌ی آفتابگردان و بادام‌زمینی نوش جان کرده‌ام و به فاصله یک ساعت بعد آبگوشت نیز آماده شد و با نان بربری آبگوشت زیادی را نیز خوردم. مدتی نگذشته بود که احساس کردم نخود آبگوشت و بادام‌زمینی و تخمه آفتابگردان با توافقی همه‌جانبه تبانی و دست به یکی کرده و قصد جانم را دارند حالم بد شد و دل‌درد داشتم. رودل کرده بودم. فوری به حمام رفتم و دوش آب را باز کردم. این را بگویم از دنیای متمدن فقط دوش حمام ما سیار و گران است. دوش را به دست گرفتم و مانند میکروفون سر دوش را در مقابل صورتم قرار دادم حس غریبی پیدا کرده بودم سنگینی معده و گوشت نذری عمه شیرین مرا به یاد ترانه شیرین شیرینه مرحوم شهاب جزایری انداخت.

به ناگاه با صدای بلند شروع به خواندن ترانه شیرین شیرینه نمودم. در واقع از دل‌درد نعره می‌کشیدم و آواز می‌خواندم. گیج و منگ بودم و صداهایی را نیز همراه با جیغ و فریاد می‌شنیدم اما صدای خودم بلندتر و رساتر از سایر صداها بود و احساس خوش‌صدایی می‌کردم و نمی‌دانستم صداهای دیگر از کجاست به اوج رسیده و می‌خواندم

شیرین شیرینه شیرین گشت کَسم
عشق تو داسه تیشه و دَسم

به ناگاه دستگیره در حمام شکسته شد و عیال را تیشه در دست دیدم. او درب حمام را با تیشه شکسته بود و با صدای بلند گفت: مرد خجالت نمی‌کشی! بچه‌های مردم را زهره ترک کردی. در و همسایه‌ها را سراسیمه و دیوانه کردی. این داد و فریادها چیست؟ ناگهان به خود آمدم و شیر آب را بستم و با حوله خارج شدم و روی یکی از کانایه‌ها نشستم و چشم‌هایم را بستم. ده ثانیه نگذشته بود از طریق موبایلم پیامکی را دریافت کردم. این بار پراید سفیدم در زمانی که من در حمام بودم در محور پلیس راه کرمانشاه خسروی خلاف کرده بود. ساعت و تاریخ خلافی ساعت ۱۷:۳۶- روز ۱۴۰۰/۱/۱ دقیقا در همان لحظاتی بود که در اوج خوانندگی شیرین شیرینه بودم شاید پراید سفیدم نیز در قصرشیرین بوده است؟

عیال که وضع و حال مرا نگاه می‌کرد پرسید باز چه شده و چه اتفاقی افتاده است؟

گفتم پراید سفید مجددا مرتکب خلاف شده و برایم پیام فرستاده‌اند. عیال گفت: دیدی جمعه آخر سال به مرده‌های‌مان بی‌احترامی کردی جریمه شدی؟ حالا هم با نعره کشیدن برای در و همسایه‌ها مزاحمت ایجاد کردی؟ جریمه شدی؟ یقین بدان حکمتی در کار است. بالاخره این پراید دست‌بردار تو نیست مملکت قانون دارد مگر می‌توانی خلاف داشته باشی مگر نشنیدی که می‌گویند قانون دیرگیر است و شیرگیر! بالاخره پراید کار تو را خواهد ساخت. حالا مدتی است ذهنم درگیر این مساله شده است که من بابت خواندن شیرین شیرینه در حمام مبلغ ۱۵۳۰۰۰ ریال در قصرشیرین جریمه شدم اگر در حمام ترانه شیرین شمامه‌ی حسن زیرک را می‌خواندم چقدر جریمه می‌شدم؟

محمدرسول گودینی

کرونا خطرناک‌تر از همیشه!

پیام پپو

پپو

همشهریان عزیز و حرف گوش‌نکن! تعداد بیمارهای کرونایی خیلی زیاد شده و می‌خوان برامان بیمارستان صحرایی برپا کنن. گرد و خاکم غوغا مُکُنه. اگه میتانین خانه بمانین. اگه نمیتانین و آرامتان نمی‌گیره حداقل میاین بیرون ماسک بزنین. اگه ماسکم نمی‌زنین، جان خودتان هی فاصله‌ی اجتماعی، فیزیکی، شیمایی یا هر چیزی بهش میگن را رعایت کنین. بعضی آئی آدمایی که هر روز می‌میرن آرزو به دل می‌مانن و گناهش گردن شماست. بعدا سر پل صراط نگفتم.

چراغ آبی

فرهاد مرادی

این اشک، شبی گونه‌ی غم را بوسید
داغ است که در عمق وجودم رویید
دلتنگم و چون بغض فرو ریخته‌ام؛
یک‌مرتبه بعد از تو، جهانم پوسید

عکس برگزیده

غلامحسین محبی